

# IL GÜN

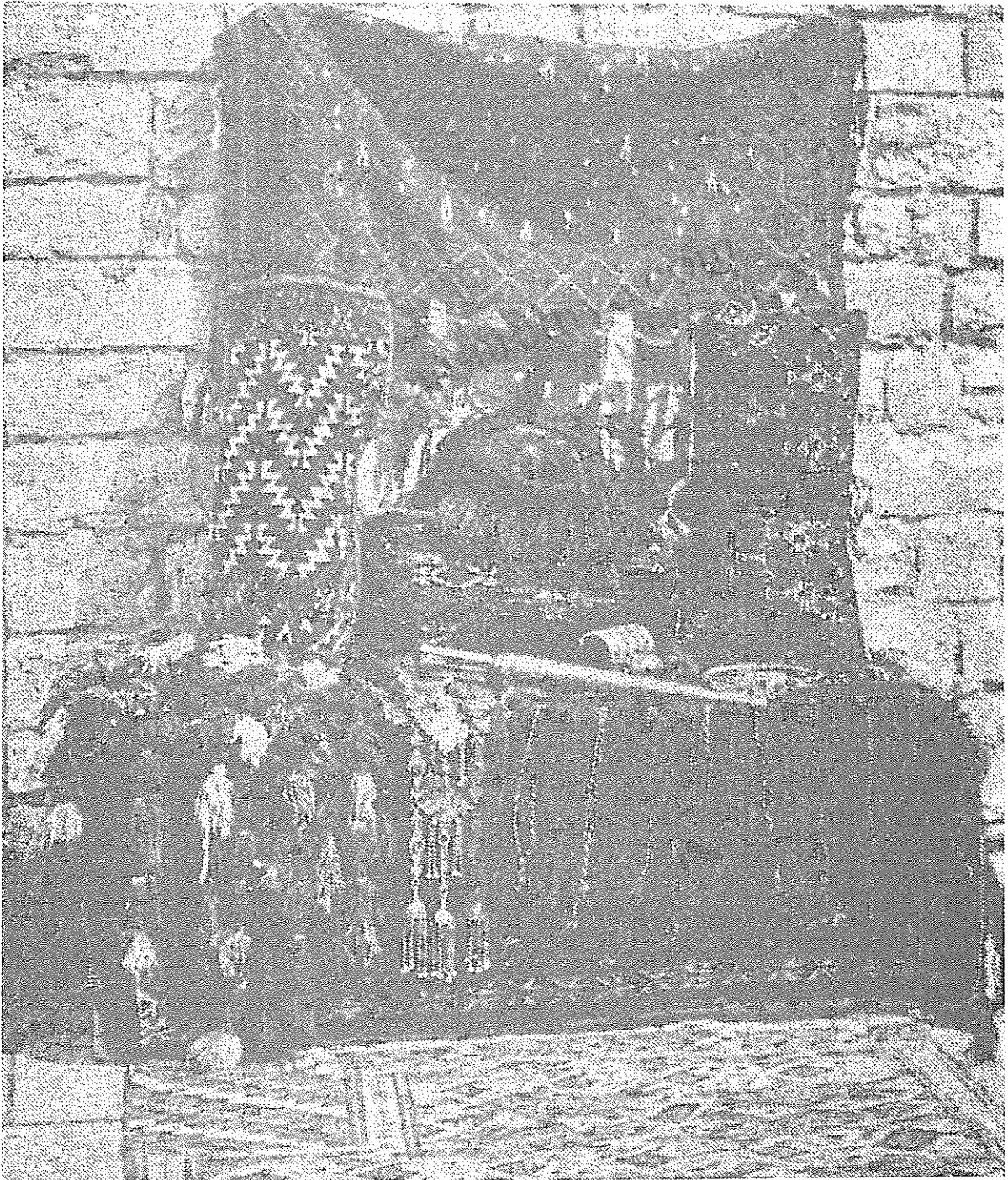
ايل گون

No. 11 September 1999

سال سوم - شماره ۱۱ شهریور ۱۳۷۸

Garasşyz türkmen neşriýesi

نشریه مستقل ترکمن



## فهرست مطالب :

۲	این قافله را سر ایستادن نیست
۵	پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمن ها...
۷	نیاکان ترکمن ها
۹	اعتراض دانشجویان ترک زبان ...
۱۰	تجربه اصلاح طلبی
۱۵	تأملی درباره تمدن و جامعه
۱۹	یک لحظه در گذر زمان
۲۲	بررسی آثار مختومقلی
۲۵	در اندر زوایای مبارزه با فراخنای استعمار...
۲۷	نمایشنامه : یاتایلینگا...
۳۱	حزب ملی ترکمن ها
۳۲	اخبار

# این قافله را سر ایستاون نخواهر بود

شکستند تا عاملین سرکوب و تشنج از زیر ضرب خارج شده و علت اصلی این اعتراضات فراموش گردد.

این واقعه در طی ۲۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی بزرگترین اعتراضات بر علیه استبداد و دیکتاتوری بود. این واقعه همچنین نشان که چگونه اصلاح طلبان حکومتی، برخلاف میل بسیاری از نیروهای اپوزیسیون، در مقابل گسترش این حرکت دانشجویان جا زدند. بخشی از این دانشجویان از اعضاء و هواداران دفتر تحکیم وحدت و بخش های دیگری از اصلاح طلبان بودند. آنها جنبش دانشجویی را تا مرز معینی میخواستند. اما وقتی که ابعاد جنبش گسترش یافت، وقتی که شعارها مستقیماً ولی فقیه را نشانه گرفتند آنها نیز به هراس افتادند. تفرقه در صفوف دانشجویان درگرفت و هیات دولت خاتمی نیز در راهپیمایی ضد دانشجویی که از جانب نیروهای خامنه ای تدارک دیده شده بود شرکت نمود. خاتمی نیز جنبش دانشجویان را به علت گسترش خشونت و آتش سوزی و غیره مورد حمله قرار داد. این در حالی بود که دانشجویان در مصاحبه های خود تأکید می کردند که آتش سوزیها و خشونت ها از جانب گروه های فشار صورت گرفته تا به این بیانه ها دانشجویان بیشتر و مقبولتر مورد سرکوب

بدست آمده بعد از دوم خرداد را تدارک می دیدند. جناح اصلاح طلب در مجلس در برابر طرح تعطیلی روزنامه های نسبتاً مستقل در پی تأکید ولی فقیه کوتاه آمد. اما دانشجویان و سایر ائشار روشنفکر جامعه که دوم خرداد حاصل مبارزات آنها بود نمی خواستند در مقابل این سرکوب گام به گام دستاوردهای خود سر تسلیم فرود آورند. بدین خاطر بود که ماموران سرکوب صبح زود ۱۸ تیرماه به خوابگاه آنان هجوم آورده و میخواستند که این حرکت دانشجویان را در نطفه خفه کنند. دانشجویان و جوانانی که بعنوان یه عامل مؤثر پا به عرصه حیات سیاسی و اجتماعی ایران نهاده اند، دیگر حاضر به عقب نشینی نبودند. آنها دست به مقاومت زدند. ایستادگی دانشجویان و دیگر ائشار مردم که آنها را همراهی میکردند و تعداد آنها بنا به برخی آمار به ۲۵۰۰۰ نفر میرسید باعث غافلگیری و دستپاچگی جناحهای حکومتی اعم از انحصارطلب یا اصلاح طلب گردید. تظاهرات دانشجویان شش روز طول کشید. سپاه، بسیج، سازمان امنیت و تمامی نیروهای شبه نظامی وارد عمل شدند. بنا به گفته دانشجویان ۲ نفر کشته و بیش از ۱۵۰۰ نفر دستگیر شدند. همانند رژیم شاه تظاهرات و اعتراضات را سازماندهی شده از خارج و رهبران دانشجویی را عاملان خارج نامیدند. کاسه کوزه ها را بر سر چند دانشجو

واقعه ظاهراً با یک اقدام اعتراضی ساده دانشجویان دانشگاه تهران شروع شد. ۱۶ تیرماه طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس جهت تحدید و یا بستن نشریات مخالف انحصارطلبان راست گرا بدون مقاومت جدی اصلاح طلبان به تصویب رسید.

روزنامه سلام در ۱۵ تیرماه نامه ای از سعید امامی که مدت ۸ سال معاونت وزیر اطلاعات را داشته و از گردانندگان قتلهای دگراندیشان در سالهای اخیر بود به چاپ رساند که وی این طرح اصلاح قانون مطبوعات را پیشنهاد داده بود. امامی در پی افشای قتلها اخیر دستگیر شده و مقامات قضایی از وی بعنوان عامل صهیونیسم نام بردند که بالاخره ظاهراً در زندان خودکشی کرد.

روزنامه سلام با هدف جلوگیری از تصویب این طرح ضددمکراتیک این نامه را چاپ کرد. اما خود این روزنامه اولین قربانی این طرح شده و توقیف اعلام گردید.

شامگاهان ۱۷ تیرماه حدوداً ۲۰۰ نفر از دانشجویان طی راهپیمایی کوتاهی به تصویب این طرح و توقیف روزنامه سلام اعتراض کردند. تظاهرات مسالمت آمیز به پایان رسیده و دانشجویان به خوابگاههای خود بر میگرددند.

انحصارطلبان چندماه قبل از انتخابات مجلس ششم، سرکوب و نابودی اندک آزادیهای

## این قافله را ...

قرار گیرند. خاتمی از این جنبش دانشجویی که خواستهای آن در راستای وعده های داده شده خود وی بود حمایتی جدی بعمل نیاورد. بطوریکه روزنامه نشاط که از جانب یاران نزدیک خاتمی منتشر میگردد، در ۲۰ تیر در شماره ۱۰۲ نوشت " رئیس جمهور در اجتماع مردم ساوجبلاغ از مردم میخواهد به دولت کمک کنند. دولت تحت فشار است. مردم میخواهند به دولت کمک کنند اما رئیس جمهور نیست."

خاتمی مجددا در سخنرانی خود در همدان حرکت دانشجویان را "بلوا و آشوب" نامیده و آنها را متهم به اهانت به ارزشهای رژیم اسلامی از جمله ولایت فقیه دانست. اما از بسته شدن روزنامه سلام، بزرگترین حامی وی در انتخابات ریاست جمهوری، و از خواستهای دانشجویان سخنی به میان نیاورد. وی در تمجید از ولی فقیه تا بدانجا پیش رفت که شرط شهروند ایران بودن را نیز در اعتقاد به ولی فقیه دانست. آقای خاتمی در تجلیل از سازش خود با خامنه ای آنچنان به پیش تاخت که عملا اعلام کرد که در جامعه مدنی مورد نظر وی میلیونها ایرانی سنی مذهب و غیرمسلمانان در ایران که شرعا اعتقادی به تئوری ولایت فقیه ندارند، شهروند ایران محسوب نشده و در شمار انسانهای درجه دو در ایران قرار می گیرند.

جمهوری اسلامی تاکنون سعی نموده است که با کنترل بسیار وسیع در سیستم آموزش جوانان را از همان ابتدا در مدارس و از طریق رادیو و تلویزیون تربیت ایدئولوژیک نماید. اما آن افکار عقب مانده که ریشه در گذشته بسیار دور دارد نمیتواند پاسخگوی

نیازها و احتیاجات جوانان باشد که میخواهند با فکرهای خلاق و پویا به پیش بتازند. تلاشهای جمهوری اسلامی جهت کشیدن دیواری آهنین که مانع نفوذ امواج پیشرفت های علمی و اجتماعی دنیای غرب شود، عبث بوده است. این دانشجویان که اینگونه در تقابل با جمهوری اسلامی قرار گرفته اند کسانی هستند که یا بعد از انقلاب بدنیا آمده اند یا در زمان انقلاب کودکی بیش نبوده اند. آنها از انقلاب یا رژیم شاه چیزی در ذهن ندارند. برای آنها وضعیت کنونی معیار است نه ارزشهای به اصطلاح انقلابی که رهبران جمهوری اسلامی از آنها سخن می رانند.

دانشجویان در جنبش برای دمکراسی و برعلیه استبداد همیشه نقش پیشرو را داشته اند. پاکسازی دانشگاهها در انقلاب فرهنگی، گذر از صافی اطلاعات برای ورود به دانشگاهها توانست دانشجویان را از رسالت خود باز داشته و در خدمت افکار عقب مانده که هیچ مطابقتی با دنیای پیشرفته آستانه هزاره سوم میلادی ندارد، درآورد. دانشجویان علاوه بر سایه سیاه دیکتاتوری بر فراز جامعه ایران بنا به وضعیت اقتصادی خراب جامعه نیز برای خود آینده ای نمی بینند.

در حال حاضر دفتر تحکیم وحدت و دیگر نیروهای اصلاح طلب تلاش در القاء این مطلب دارند که اینگونه حرکت های آزادیخواهانه دانشجویان تنها در ارتباط و هماهنگی با جریانات موسوم به رئیس جمهور قابل پیشرفت و تأثیرگذاری است. آنها می دانند که این موج را سر ایستادن نیست پس باید بر آن سوار شد. جامعه مدنی و توسعه سیاسی مورد نظر خاتمی بسیار

محافظه کارانه و دارای چهارچوبهای معینی است. آنها هر تلاش سیاسی - اجتماعی خارج از چهارچوب های خود را بر نمی تابند. ولی گسترش مبارزات مردم برای دمکراسی که سابقه ای بیش از صد سال دارد و رژیم شاه را سرنگون ساخت محصور در چهارچوب بسته ای نخواهد ماند. خاتمی نیز اگر نخواهد در لای چرخ دنده های این مبارزه بین عدالت و ستم له نشود مجبور است به جلو برود.

اکنون خاتمی دهها کام عقب تر از پیشروان اجتماعی جامعه در راه دمکراسی است. اما بدون وجود و فشار نیروهای مستقل جامعه اولاً نیروهای اصلاح طلب پیگیری لازم جهت عقب راندن نیروهای راستگرای استبداد را ندارند. در ثانی از آنجاییکه هر دو جناح بهر قیمتی در حفظ اساس حکومت دینی مصمم هستند، امکان سازش بر علیه مردم وجود دارد. آنچنان که هم اکنون دیده می شود که خاتمی سیاست فشار از پایین ، مذاکره در بالا را رها نموده و به سازشهای پشت پرده تن داده است.

این جنبش دانشجویی هرچند بظاهر سرکوب گردید ولی خفه نخواهد شد. مانند آتش زیر خاکستری است که هر آن ممکن است دوباره سربر آورد. ولی موفقیت آن در سازماندهی مستقل خود دانشجویان نهفته است و همچنین اینکه نیروهای مستقل جامعه جدا از حاکمیت تشکلهای مختلف خود را داشته باشند که بتوانند بصورت سازمانیافته در جنبش شرکت کنند. عدم استقلال و وابستگی ها، وقتی که از حد و مرز منافع آن جناح پیش تر رفت باعث شکست آن جنبش خواهد شد.

## پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمنها از کدام دراه و با کدام وسیله ؟

(قسمت دوم)

### نگاهی گذرا بر تقسیمات

#### اتنیکی جهان

در اینجا قصد بر این نیست که به طور عمیق تری به بررسی چگونگی پیدایش اقوام و ملتها پردازیم بلکه برای پرداختن به وضعیت فعلی جهان کنونی و از آن میان نگاهی بر نحوه تقسیم بندی کشورها لازم است تا اشاره ای بر طرز تشکیل دولتها و از آن میان تأثیر متقابل دولتها و ملتها را بر یکدیگر داشته باشیم.

بنا به داده های جامعه شناسی و تاریخ در دوران شبنانی تولید و یا نظام کمونی ابتدایی که هنوز بشر دو پا فاقد ابزار تولید و صنعت لازمه برای تولید مازاد بود و در شرایطی که خود بشر مقهور طبیعت و محیط بیرونی بود و انرژی اصلی بشری صرف مبارزه با آفات و حوادث طبیعی می شد بنا به ضرورت تاریخ و برای تداوم بقای بشری، ابتدایی ترین گروه های بشری خویشاوند تشکیل می گردد. این گروههای خویشاوند برای دفاع و مقاومت مشترک بر علیه طبیعت قهار و حیوانات درنده ضرورتاً از نوعی سازماندهی و شکل برخوردار بوده اند.

تکامل زبان و تکامل ابزار تولید که خود بیش از صدها هزار سال را به درازا کشید، بر پیچیدگی مناسبات اجتماعی درون گروه های انسانی می افزاید و به دنبال قشر بندی جامعه و تشکیل طبقات اجتماعی، تمرکز قدرت و نتیجتاً ضرورت دولتهای نسبتاً سازمان یافته تری مطرح می گردد.

آنچه که مسلم است هرچند که هسته مرکزی

دولتهای ماقبل تاریخ را قومی بزرگتر و قویتر تشکیل می داده است، اما این دولتها در بر گیرنده یک قوم و یا یک نژاد معینی نبوده است و چه بسا از یک ثبات مرزی و قلمروی نیز برخوردار نبوده است. بنا به اسناد تاریخی همواره در یک دولت قدرتمندان و اقوام و گروه های انسانی محکوم در کنار هم قرار می گرفته اند.

عطش قدرت و بدست آوردن ثروت و امکانات بهتر باعث می گردید تا مسئله جنگ و درگیری بین اقوام حاکم و محکوم در داخل یک دولت از یک طرف و بین دولتهای مختلف از طرفی دیگر بوجود بیاید. چه بسا دولتهایی که منقرض می گردیده و چه بسا که دولتهای جدیدی پا به میدان می گذاردند.

### ملتها و دولتها در مقابل تاریخ

هرچه به گذشته دورتر می رویم با تمدن های مختلف بشری و در ادوار مختلف مواجه می شویم. تمدن هایی که هر کدام از آنها به دنبال بالندگی خود در دوره ای از زمان افول و میرندگی خود را همراه داشته است. در این میان یکی از قدیمی ترین تمدن بشری که بعدها حتی تمدن های سومر و اکد و آشور از آن تأثیر گرفته در آسیای میانه و در انو (ترکمنستان فعلی) قرار داشته است. ویل دورانت قدمت این تمدن را با توجه به آثار تاریخی بدست آمده از آن حداقل بیش از شش قرن قبل از میلاد مسیح تخمین میزند.

مشکل میباشد علاوه بر آنالیز بافت اتنیکی و قومی خلاقان و بانیان این تمدنهای دیرینه، مقایسه و مطابقت آنها با نژادها و اقوام امروزی می باشد. برآستی باور کردن این مسئله که بعد از سپری شدن هزاران سال، یک قوم با فرض داشتن تبحر و درایت و قدرت خلاقیت مافوق توانسته باشد بگر و لایتغیر باقی مانده باشد، خود بسیار دشوار می باشد.

با مطالعه دقیقتر این تمدنها و مقایسه آنها با همدیگر، تداخلات و تأثیرات متقابل آنها بر همدیگر کاملاً مشهود می باشد. هر یک از تمدنها در واقع امتزاج و استنتاجی از چندین تمدن و در پیروسی ای بسیار طولانی می باشد. میتوان این اختلاط را به چندین جویبار آب تشبیه نمود که وقتی به هم میرسند شطی بزرگ را تشکیل می دهند. نژادهای بشری نیز به تابعیت از این اصل و بنا به دلایل مختلف از اختلاط و امتزاج مصون نمانده است و بنا به اسناد تاریخی پذیرفتن اصل نژاد خالص بسیار مضحک بنظر میرسد.

قومی قویتر قومی ضعیفتر را مقهور خود قرار می دهد و مردان مقاوم و مخالف قوم را از پای در میآورد و زنان و اطفال را به اسیری و بردگی می گیرد و بعد از یکی دو دوره نسل جدیدی با خصوصیات در هم آمیخته اقوام حاکم و محکوم یا به عرصه تاریخ می گذارد.

بقیه از صفحه قبل

### پاسخ به مطالبات ملی و ...

علاوه بر عامل جنگ و زورمداری ظهور اعتقادات و مذاهب و مسلکهای گوناگون نیز عاملی است برای اختلاط اقوام مختلف. چرا که مذاهب تلاش نموده اند که تا با مخاطب قرار دادن بشر و تأکید بر یکسان و هم ارزش آفریده شدن از جانب خدا، بسان ایده نولوگی های انترناسیونالستی امروزین تلاش نموده اند تا بشریت را به دور از هر رنگ و نژاد و تعلقات طبقاتی زیر پرچم دین و مذهب واحد فراهم آورند.

با مطالعه بسیاری از اساطیر و افسانه های دوران باستان میتوان چنین استنباط نمود که بسیاری از آمیزشها در بین انبیای بشری چه بسا داوطلبانه صورت پذیرفته است.

دکتر ژوزونه دوکاسترو بیولوگ و جامعه شناس و محقق برزیلی که در این رشته عضویتی نیز در سازمان ملل داشته است و تاکنون بسیاری از کتب و تحقیقات ایشان به زبانهای مختلفی ترجمه گردیده است تأکید می نماید که هیچ نژاد خالصی در جهان فعلی باقی نمانده است!

### مرزبندیهای ملی زاده تاریخ یا شبهه ای نامفهوم

هرچه عمیقتر به بررسی ملتها و نژادها می پردازیم شک ما بر اصالت و ثبوت این مقوله بیشتر می گردد و اما چه بخواهیم و چه نخواهیم ملت یا ملتها بویژه در عصر کنونی واقعیتهای غیرقابل انکار به نظر میرسد. به این خاطر تعریفها و برداشتهای مختلفی از مقوله ملت و از جانب پژوهشگران مختلف ارائه گردیده است که بر اصل اشتراک فرهنگی و

زبان و بعضا بر وحدت اعتقادات مذهبی و در محدوده جغرافیایی معین تأکید می نماید.

سؤال جالبی که در این رابطه طرح می گردد این است که آیا مردم آمریکا (ایالات متحده!) را که اختلاطی از صدها قوم و ملت می باشد و بیش از سه قرن هم تاریخ ندارد، میتوان به عنوان یک ملت پذیرفت؟

در شرایط کنونی تقریباً دوست دولت با پرچم و سرود ملی خود سازمان ملل متحد را به عنوان ارکانی بین المللی مورد تأیید قرار داده اند. علاوه بر اینها، ملتهای بسیاری نیز که موجودیت آنان از جانب دولتهای فعلی حاکم انکار می گردد؟! (اقلیتهای ملی) وجود دارند.

اگر تمامی ملتهایی را که تا امروز پا داشتن زبان و فرهنگ و قدامت تاریخی برای استقلال خود و جایگاهی می جویند به احتساب بیارویم تعداد ملتهای حاضر و زنده شاید بیش از سه برابر دولتهای به رسمیت یافته باشد! (ناگفته نماند که برخی از این ملت ها بسان ترکمنها و آذربها در ایران عملاً نیمی جدا شده از ملت بزرگتر خود می باشند و یا ملتهایی چون کردها که سرزمین آنان بین چندین دولت تقسیم گردیده و هنوز هم از داشتن یک دولت واحد محروم میباشند.)

### مقدولوژی برخورد با مسئله ملی

تقسیم بندی اثیکی جهان فعلی را میتوان به طور کلی از دو جهت یا از دو زاویه مختلف مورد بررسی قرار داد.

الف: تاریخی و نژادی

ب: اجتماعی و سیاسی

فردی تاریخدان و نژادشناس قصد دارد تا با در کنار هم قرار دادن فاکتها و اسناد تاریخی از پروسه تکاملی و مدنیت پذیری یک قوم هم جایگاه تاریخی آن قوم را در گردونه تاریخ تشریح بنماید و هم اینکه با مشخص کردن ریشه و هویت ملی و فرهنگی آن قوم به دفاع از حقانیت ملی و فرهنگی آن بپردازد.

هرچه به گذشته دورتر بر می گردیم این شیوه بررسی یا تحلیل در درگیریهای قومی و ملی بیشتر مورد توجه بوده است. البته هنوز هم در بخشی از جوامع عقب مانده این شکل آنالیز به قوت خود باقی است. جای تعجب اینجاست که در جوامع مدرن نیز که تکنیک و معرفت به درجه بالایی رسیده است، نژادپرستان و نازیستها برای توجیه برتری طلبی خود به این شیوه عمل می نمایند.

از طرف دیگر به دنبال رشد لیبرالیسم و اندویدوالیسم بویژه به دنبال تکامل شیوه بورژوازی تولید که خود تکامل دمکراسی و حراست از حقوق فردی و اجتماعی شهروندان را بدون تبعیضات طبقاتی و قومی همراه داشته است، شیوه نوین و واقع بینانه تری در طرز تلقی و تحلیل از نقش و جایگاه انسان در اجتماع به وجود آمده است. با این شیوه بررسی از جایگاه و نقش انسان در جامعه قومیت یا ملیت یک فرد مستقیماً مورد توجه نیست بلکه برعکس این خود انسان است که بعنوان یک فرد یا اندیوید در مرکز توجه قرار می گیرد. این شیوه نگرش به نقش انسان و

## نپاکان ترکمن ها

در محدوده‌ای که هم اکنون ترکمن‌ها سکونت دارند، در روزگاران کهن - دهها و صدها هزار سال قبل - نیز انسان‌ها می‌زیستند. سواحل بحر خزر، کناره‌های بخش سفلی رودخانه جیحون و مسیر رودخانه "اوزبوی" زیستگاه طوایف ماهیکیر بود و طوایف شکارچی در کوهستان‌ها و دشت‌ها اسکان کزیده بودند. نه ماهیکیران و نه شکارچیان قادر به ساختن خانه استفاده از فلزات بوده‌اند. آنان در غارها و "چاتنا" ها (نوعی کلبه) زندگی می‌کرده‌اند و ابزار مورد استفاده آنها از تیر و کمان‌هایی با پیکان‌های سنگی، تبرها و کاردهای سنگی و چوب‌های دستی تشکیل می‌شد.

قریب ۸-۹ هزار سال پیش، نخستین روستاهای کشاورزان در نواحی "آخال" و "اتک" پدید آمد. روستانشین‌ها در خانه‌های بزرگ - که با خشت خام بنا شده بود - می‌زیستند. در هر خانه خانواده‌ای بزرگ و یا حتی تمامی افراد یک قبیله سکونت داشت و آنان در اراضی مرطوب و باتلاقی که از آب چشمه‌ها و جویبارها بوجود آمده بود، جو کاشته و کشت خود را با داس‌های سنگی درو می‌کردند. به جهت عدم وجود آسیاب زنان دانه‌ها را با سنگ کوبیده آرد می‌کرده‌اند. و نیز ظروف خود را از گل رس ساخته، با رنگ قهوه‌ای رنگ آمیزی می‌کرده‌اند. انسان‌ها ۷-۶ هزار سال قبل، نخست بز و سگ و سپس گوسفند

خوک، گاو، اسب، شتر را رام کرده‌اند. جهت آبیاری مزارع خود به تدریج به کندن جوی‌ها پرداختند. خیش ساختند و طرز استفاده از آن را آموختند. ذوب فلزات، ساختن ابزار، اسلحه و اشیای زینتی را به تدریج یاد گرفتند. بدین ترتیب روستاها گسترش یافت و بزرگترین آن‌ها با کشیده شدن حصار بر پیرامون‌شان خصوصیات شهرهای کوچک را به خود گرفتند. روستاهای پارسی‌تپه در بابا عرب، "ایکی‌تپه" در حومه "انو"، نامازغاتپه در حومه "کاکا"، "یاسی‌تپه" در جنوب رود اترک، "دوشاق" "التین‌تپه" و "یلین‌تپه" در حومه "معنه‌چاچی" و... محل استقرار چنین روستاهایی بوده‌اند که هنوز پابرجا هستند.

حدود چهار هزار سال قبل، طوایف صحرا نشین از شکار به دامداری روی آورده‌اند. افزایش تدریجی شمار دام‌ها، امکان اسکان طولانی در یک محل را از آن‌ها سلب می‌نمود و آن‌ها را به سوی کوچ نشینی سوق می‌داد.

لازم به یادآوری است که بسیاری از طوایف در ادوار کهن همزمان به دامداری و کشاورزی اشتغال داشته‌اند. در آن روزگار مانند ترکمن‌های ۱۰۰ سال پیش، بخشی به صورت کوچ نشین و بخشی دیگر به شکل اسکان یافته (تخته‌قاپو) زندگی می‌کرده‌اند. در دوران باستان وسده‌های میانه بخش عمده ترکمن‌ها را همان طوایف نیمه ساکن

دامدار - کشاورز تشکیل می‌داد. کشاورزان و دامداران مدام با هم‌دیگر داد و ستد می‌کرده‌اند، آن‌ها غله را با دام، فراورده‌های پوستی و پشم مبادله می‌نموده‌اند، چنین بود پروسه تقسیم ترکمن‌ها به مردمان دامدار و کشاورز که تا زمان ما نیز تداوم یافته است. کشاورزان تنها به استفاده از آب چشمه‌ها بسنده نکرده، به تدریج بهره‌گیری از آب رودخانه‌های مرغاب، تجن و حتی رودهای بزرگی چون جیحون را نیز جهت آبیاری اراضی خود فراگرفتند. برای این کار احداث سدهای بزرگ، حفر کانال‌های اصلی و لایروبی سالانه آن‌ها ضرورت داشت و این کاری بود که اشتراک عمل، رنج و زحمت متحد تمامی اهالی منطقه را طلب می‌کرد. این عامل در کنار روابط تجاری رو به گسترش، دست در دست هم داده به وحدت تدریجی قبایل و پیدایی اقوام یاری رساند.

همزمان با پروسه مذکور و به موازات افزایش تعداد صحرانشین‌ها، دامداران ناگزیر بودند تا هرچه بیشتر کمبود مراتع را تحسّل نمایند. به همین سبب حدود ۲۰۵ - ۲ هزار سال قبل جمعیت عظیمی از دامداران نیمه اسکان یافته شمال سرزمین اقوام ترکمن ورود به جنوب را آغاز کردند و حتی بخشی از آنان به ایران و بقیه در صفحه بعد

هندوستان نیز نفوذ نمودند. طوایف کوچ نشین که از شمال وارد ایران شدند (ترکمن صحرای کنونی)، اندک اندک با مردمان کشاورز بومی در آمیخته و بخشی از آنان در این منطقه اسکان گزیدند.

در هزاره نخست قبل از میلاد در نواحی مرزوعی که امروز ترکمن‌ها اسکان یافته‌اند اقوام گوناگونی می‌زیسته‌اند.

آخال، اتک و بخش سفلی رود تجن (هریرود) و نیز ناحیه شمال شرقی ایران کنونی محل زندگی "پارت‌ها" بوده است. پارت‌ها در نتیجه آمیزش بومیان کشاورز و جلگه نشینان دامداری که از نواحی شمال به این مناطق کوچ کرده بودند بوجود آمدند. بخشی از پارت‌ها به کشاورزی و بخش دیگر در چراگاه‌های کوهستانی و اطراف صحرای قره قوم در امتداد تلاقی آن با "کویت داغ" (کوه های کویت) به دامداری اشتغال داشته‌اند. پارت‌ها به قالی های نفیس و اسب‌های تیز تک خود شهرت داشته‌اند. لشکر پارت‌ها با سواره نظام کثیر العده خود هراس در دل دشمنان می‌افکند.

در آن ایام در جلگه مرغاب - که در آن جا سیستمی از کانال های بزرگ و پیچیده احداث شده بود، قوم دیگری به نام "مارگیانانی" سکونت داشتند. مارگیانانی ها عمدتاً به کشاورزی اشتغال داشتند. اما در عین حال در چراگاه‌های سر سبز حوالی جلگه مرغاب به دامداری نیز می‌پرداختند. آنان صنعت‌گران ماهری داشته و تهیه آهن و ساختن سلاح‌های بسیار خوب پولادی را خیلی زود فرا گرفته بودند. مارگیانانی ها نیز مانند پارت‌ها با انگور و شراب خود مشهور بودند.

- سومین قوم یعنی خوارزمی‌ها در بخش سفلی رود جیحون شکل گرفت. در آن جا نیز هم‌چون جنوب اقتصاد مختلط وجود داشته، ولی اساس آن را کشاورزی تشکیل می‌داد.

پارت‌ها، مارگیانانی‌ها و خوارزمی‌ها به زبانی که از شاخه های زبان ایرانیان بود تکلم می‌کردند.

در میان همه این اقوام، کدخدایان و روحانیون قدرت را در دست داشتند. ترکمن های اسکان یافته آتش و نیز فرشتگان زمین و محصول را پرستش می‌نمودند.

پارت‌ها، مارگیانانی‌ها و خوارزمی‌ها شهرها و قلعه هایی داشته اند که خرابه های آن‌ها در "ارک قالا" و "یاز تپه" در پایین مرغاب، "یلکن تپه" در نزدیکی های قورشوق، "کونده لی قبر" در استان داش حوض (در جمهوری ترکمنستان) و... هنوز پابرجاست.

علاوه بر اقوام یاد شده طوایف دیگری ( داخ‌ها، ماساگت‌ها و سامات‌ها) نیز در اراضی مورد بحث اسکان داشته اند. آنان که به دامداری اشتغال داشتند و در مقایسه با سه قوم پارت، مارگیانانی و خوارزمی‌ها بسیار عقب مانده تر بودند. داخ‌ها در بخش شمالی رود اترک و جنوب شرق صحرای قره قوم، ماساگت‌ها در شمال در نواحی هم جوار دریای آرال و سارمات‌ها در شمال غرب و و شمال کوه‌های معروف به بالکان بزرگ می‌زیسته‌اند.

داخ‌ها و ماساگت‌ها از نقطه نظر شیوه زندگی شباهت بسیاری به هم داشتند. آنان علاوه بر دامداری به زراعت نیز می‌پرداختند. بطور مثال داخ‌های ساکن دشت های شمال اتک، روستاهای بزرگی داشته‌اند

( خرابه های عزت قلی تپه و مادا و ... ) ولی لازم به یاد آوری است که ثروت اصلی آنها دام هایشان بوده است. در میان داخ‌ها و ماساگت‌ها ثروتمندانی از نوع رهبران قبایل و طوایف وجود داشت. سلاح آنان بسیار گران‌بها بود و لباس و زین و برک اسب‌های خود را با طلا می‌آراستند، در جوار وجود چنین اغنیایی تعداد تهیدستان و بردگان نیز زیاد بود. داخ‌ها و ماساگت‌ها جنگ‌آورانی بی باک و سوارکارانی ماهر بوده اند. آنان آفتاب را که به شکل پهلوانی با کلاهخود، زین کمانی کشیده و پیکان طلایی، سوار بر اسبی بال‌دار و نیرومند تجسم می‌یافت، پرستش می‌کرده اند و اسب را حیوانی خوش یمن دانسته با عشق و علاقه و دلسوزی خاصی تیمارش می‌داشتند. شباهت اسب‌های داخ‌ها، ماساگت‌ها و پارت‌ها با اسب‌های "آخال تکه" و یموت امروزی توسط محققین روشن شده است. افسانه های مربوط به خدایی که با اسب های بال‌دار خویش در حرکت بود، بعد از ظهور اسلام اساس روایت " علی بن ابی طالب و دلدل گشت که در سطح وسیعی در میان ترکمن‌ها اشاعه یافته است.

داخ‌ها، ماساگت‌ها و بخشی از سارمات‌ها احتمالاً نیاکان ترکمن های کنونی اند. به نظر برخی از محققین داخ‌ها نیاکان تکه‌ها و سارمات‌ها اجداد یموت‌ها بوده اند.

این مقاله برگرفته از جزوه پیدایش خلق ترکمن می‌باشد که در سال ۱۳۶۲ توسط کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن از صنایع جمهوری ترکمنستان ترجمه و منتشر گردید. ما این مقاله را با اندکی تلخیص آورده ایم.



## اعتراض دانشجویان ترک زبان به تقلید توهین آمیز لهجه ترکی در صدا و سیمای جمهوری اسلامی

دانشجویان ترک زبان دانشگاه تهران در نامه اعتراض آمیزی به مسئولان صدا و سیمای جمهوری اسلامی از تقلید لهجه ترک زبان ها در برنامه های تلویزیون و رادیو بشدت انتقاد کردند .

دانشجویان نوشته اند مگر کارهای بد و منفی را فقط ترک ها در جامعه انجام می دهند . بنا به گفته دانشجویان صدا و سیمای جمهوری اسلامی بعد از انقلاب بیشتر از دوران قبل از انقلاب زبان ترکها را تحقیر می کند و ما همواره شاهد ادامه این سیاست کثیف از سوی محافل شونیستی جمهوری اسلامی بوده ایم .

سریال آپارتمان، برنامه رادیویی صبح جمعه با شما، فیلم سینمایی کلاه قرمزی از برنامه هایی است که تحقیر ترکها را به همراه داشته است. سریال پیشخدمت، در فیلم سینمایی 'بانو' هم به ترک ها توهین می شود . با گذشت چند دقیقه در فیلم بانو، یکی از شخصیت های داستان به نام قربان سالار که ترک زبان و دارای یک چشم

معیوب و کوربشت است ظاهر میشود . قربان سالار کوپن فروش لاستیک فروش که دو زن خود را دق مرک کرده و به هر عمل غیر انسانی دست می زند . دانشجویان سئوال کرده اند :

آیا نمی شود ترک ها عهده دار نقش های مثبت در فیلم باشند ، دانشجویان نوشته اند: در شرایطی که صحبت از جامعه مدنی است و احترام به افراد عنصر اساسی جامعه مدنی شمرده می شود، آیا به مردمی که در انقلاب مشروطیت، انقلاب اسلامی و جنگ نقش موثری داشته اند و ایران را از پرتگاههای نیستی رهانیده اند باید این چنین توهین کرد .

## فعالیت صید گاه آشوراده در ترکمنصحرا

صید گاه آشوراده که هر ساله ۴،۵ تن خاویار و ۲۵،۲ تن گوشت ماهیان خاویاری به کشورهای اتحادیه اروپا صادر می کند یکی از محل های درآمد ارزی ترکمنصحرا است. این صیدگاه دارای ۹ فروند قایق صیادی ، ۲۲ صیاد و شش پرسنل اداری است که طی ده ماه از سال به صید ماهیان خاویاری مشغول هستند.

## جنگ در آسیای میانه

برای نخستین بار هواپیماهای کشور ازبکستان وارد حریم تاجیکستان شدند و ناحیه 'جیرکتال' در تاجیکستان را بمباران کردند. وزیر خارجه ازبکستان اعلام کرد که مخالفان دولت ازبکستان در آنجا مستقر هستند. در نتیجه این بمبارن چند خانه ویران شدند و آمار دقیقی از تلفات انسانی گزارش نشده است. بدنبال این حملات هواپیماهای ازبک مواضع چریک های مخالف دولت ازبکستان در کشور همسایه قرقیزستان را نیز بمباران کردند. اما مقامات قرقیزی گفتند که این حمله با هماهنگی و موافقت آنان بوده است. مخالفان دولت ازبکستان در منطقه صعب العبور 'وادی نمنکان' مستقر هستند. روسیه از علیات هوایی ازبکستان ابراز تاسف کرده و وزارت امور خارجه روسیه در بیانیه ای این حادثه را عامل افزایش تنش اعلام کرده است. در این بیانیه همچنین آمده است که این علیات، نوع نقض حاکمیت دولت تاجیکستان محسوب می شود. دولت های دیگر آسیای میانه هنوز عکس العملی در قبال این حادثه نشان نداده است. خبرگزاری ایرنا با درج خبر حمله هوایی ازبکستان به تاجیکستان نوشت که این حمله هوایی ، باعث افزایش تنش بین دوشنبه و تاشکند شده است.

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

## "تجربه اصلاح طلبی"

روند حرکت اصلاح طلبانه مردم ایران در روزهای اخیر یکی از خمهای بحرانی خود را پشت سر گذارد. سخن های بسیاری گفته شد و اظهار نظرهای متنوعی به رشته تحریر در آمد. هر آنکس که هنوز قلبی برای طپشی هر چند مختصر برای سرنوشت کشوری با تنوع مذهبی، نژادی و فرهنگی بسیار داشت، چشمها را دوباره گشود و به سیر حوادث گوش سپرد. آنچه بیش از همه شایسته است مد نظر قرار گیرد اینست که تمامی این جنبشها و خیزشها بهر حال اجزای یک فرآیند به مراتب بزرگتری هستند که بسیاری آنها حرکت اصلاح طلبانه می نامند و این عنوان انصافاً شایسته هرگونه توجه و پرداخت فکری می باشد.

می توان سوال کرد که چرا این بار "اصلاح" در برابر "انقلاب" قرار گرفته است. چرا همگان با چشمان منتظر و برخی با حرکت سازنده بدان چشم دوخته اند و البته نیز چرا اندکی بابدبینی به آن می نگرند و هنوز تمایل دارند در تنور "انقلاب" بدمند؟ پاسخ جامع به این سوال در گستره این نوشته مختصر نمی گنجد ولی خواننده محترم را به تفکر و تعمق شخصی در این سوال تشویق می کنیم، چه اینکه هرکسی بنابر مطالعات و تجربیات خود می تواند دلایلی را مترتب نماید و به بحث بگذارد.

دایره بحث را کوچک می کنیم و تلاش می کنیم بازتاب این حرکت را در محدوده مردم ترکمن مورد مذاقه قرار دهیم. اگر قدری در تاریخ معاصر به عقب برگردیم، به یاد می آوریم که در بحبوحه تحول نظام پادشاهی از قاجار به پهلوی، مردم ترکمن به حمایت از شاه در حال عزل، احمد شاه، سوق داده شدند و یکی از نتایج آن بود که با قدرت یافتن رضا شاه، اوکه از سیاست در بسیاری از موارد فقط انتقام جویی را آموخته بود، فشاری مضاعف به مردم ترکمن وارد کرد، که نیازی به ذکر جزئیات آن نیست. قدری اخیرتر، دوباره بخش هایی از مردم ترکمن را در کوران انقلاب ۵۷ به حمایت از رژیم درحال فرو ریزی شاهنشاهی ترغیب کردند و بهر حال باید پذیرفت که پس از انقلاب بخش هایی از پیروز مندان صحنه انقلاب این واقعیت را از نظر دور نداشتند و اگر هیچگاه به طور مستقیم به آن حمایت ها از رژیم شاهنشاهی کسی اشاره نکرد، حداقل نگاهی نه چندان خوش بینانه به مردم ترکمن دوخته شد. اکنون بحث اینست که مبادا

دوباره بخشی از مردم ترکمن تحت تأثیر تبلیغات نیروهای قرار گیرند و بجای همراهی سازنده با حرکت اصلاح طلبانه مردم به اردوی محافظه کاران فراخوانده شوند و تحت عنوان حمایت از مذهب و سنتهای مذهبی از همراهی با حرکت اصلاح طلبانه مردم در دیگر نقاط ایران غافل بمانند.

در این باره باید اضافه کرد که منظور از همراهی سازنده چیست؟ مسلم است که اقلیتهای مذهبی، نژادی و فرهنگی در این سرزمین تنها در یک محیط دموکراتیک است که می توانند به جبران عقب ماندگی ها بپردازند. این را باید بدانیم که این خود مردم هستند که می توانند تغییری در سرنوشت خود بوجود بیاورند. اگر فعالانه بازیگر صحنه حرکت اصلاح طلبانه نباشیم دوباره از غافله عقب خواهیم ماند. این حرکت سازنده لازم می دارد که مردم ترکمن در تبادل فکری و سیاسی با تمام مردم دیگر ایران قرار گیرند و هیچگاه خود را حاشیه نشین فرض نکنند. هنر در این است که سهم خود را در این حرکت سرنوشت ساز فعالانه ایفا کنیم و با درک عمیق نیازها و ظرفیتهای از بی عملی و خاموشی گزینی پرهیز کنیم. اگر می خواهیم محیطی را بوجود آوریم که بتوانیم در سرنوشت خود بازیگر موثر باشیم، بایسته است که زحمت آنرا هم تحمل شویم. باید بتوانیم در ارتباط با دیگر مردم قرار بگیریم و حضور فعال خود را اعلام کنیم. قبول کنیم که باید "انقلاب بس" بدهیم و حرکت دشوار و بلند مدت اصلاحی را به جلو حرکت دهیم. بخوانیم، بنویسیم، اظهار نظر کنیم و خواسته های متین و منطقی خود را اعلام کنیم و برای حصول به مقصود تلاش کنیم. لازمه اینکه خواسته های مردم ترکمن در حرکت اصلاحی مردم ایران جایگاه خود را پیدا کند، حضور ما مردم ترکمن می باشد. در یک دموکراسی هیچکس از بیرون نمی تواند نماینده ما باشد ما نیاز به نماینده های واقعی خود داریم که همراه با دیگر نمایندگان حرف بزنند، راه حل ارائه دهد، هماهنگ کند و پیگیری نماید. زمان مناسب ترین است برای استفاده از تجربه های گذشته. ظرفیت مردم برای اصلاح قابل توسعه است و این نکته اساسی برای دستیابی به روزهای بهتر می باشد. آیا مردم و جوانان ترکمن تفاوت اصلاح و شورش را عمیقاً احساس می کنند؟ هرچه به این سوال و پاسخ های مترتب بر آن بپردازیم، تلاشی سازنده خواهد بود.

در تظاهرات اخیر که ظاهراً تحت عنوان حمایت از نهادهای محافظه کاران و بدنبال ناآرامی های دانشجویان در شهرهای مختلف شاهد بودیم یک واقعیت نهفته است. جناح

راست حکومت در تمامی سالهای پس از انقلاب ۵۷ سعی داشته است که بدنه هایی از مردم را شریک لاینفک اهداف و تمایلات سرکوب گرانه خود نماید. عناوینی همانند "خانواده شهدای جنگ"، "رزمندگان"، "ایثارگران" و نظائر آن برای این منظور بکار گرفته شده که بدنه هایی از مردم سرنوشت خود و حداقل های لازم برای گذران زندگی را گره خورده به حیات سیاسی جناح راست فرض نمایند و تاکنون جناح راست چنین القا کرده است که اگر ما برویم شما خانواده شهداء و ..... مورد کمال خشم و غضب و بی مهری جانشینان واقع خواهید شد. تخصیص سهمیه های ویژه برای ورود به دانشگاهها و مراکز علمی، استخدام در ادارات و تأسیس بنیادهای ویژه برای رسیدگی به امور این بخش از مردم ایران تماماً هدف سیاسی داشته است. برماست که برای این بدنه از مردم و تمامی بخشهای مردم ایران روشن سازیم که در یک حکومت مبتنی بر خواست مردم حقوق طبیعی همگان ایفاء خواهد شد. بد نیست نیم نگاهی به دیگر کشورهای دموکراتیک بیندازیم. در بسیاری از کشورهای غربی هنوز معلولین جنگی دارای برخی حقوق ویژه هستند، به عنوان مثال در کشوری مثل کانادا که هیچگاه در شرایط جنگی قرار نگرفته، معلولان جنگ جهانی دوم، جنگ کره و دیگر جنگهایی که سربازان کانادایی تحت فشار سیاستهای امپریالیستی به جبهه های جنگ رانده شدند مورد توجه قرار دارند. پس طبیعی است که در یک ایران دموکراتیک هیچ عقل سلیمی نمی پذیرد که معلولان و آسیب دیدگان جنگ مورد بی مهری قرار گیرند یا خانواده های کشته شدگان جنگ تحت عنوان "مزدوران رژیم" از حقوق شایسته انسانی خود محروم شوند. با آگاهی بدین روش انسانی است که می توانیم مردم فریبی جناح راست را افشا کنیم و این امر را روشن سازیم که قرار نیست همان روشهایی بکار گرفته شود که تاکنون توسط تمامیت طلبان و قدرت خواهان سرکوبگر بکار گرفته شده. روش پلید ایجاد چند دستگی در مردم بر مبنای منافع کوتاه مدت روشی نیست که باحرکت اصلاح طلبانه و انسانی مردم ایران هماهنگ باشد. بدیهی است که مردم ترکمن هم همانند مردم دیگر نقاط ایران از آسیبهای جنگ دور نماندند. خانواده های آسیب دیدگان جنگ بهترین هدف های تبلیغاتی جناح راست درکنار تمسک به مذهب و انگیزه های مذهبی می باشد. پس باید این طرح جناح راست را نیز خنثی کرد.

نکته دیگر که در خور توجه است، هوشیاری در احتراز از فریب دیگری است که مدتها

است تحت عنوان تنها آکترناتیو "جمهوری اسلامی" مطرح است. برخی از گروههای سیاسی آشکارا خود را قیم تمام مردم می دانند و به نحو روشنی تلاش دارند سرپوشهای گوناگونی برای موضع گیری ها، عملکردها و سیاستهای شکست خورده خود طراحی کنند. این که سرنوشت مردم باید بطور واضح و روشن توسط حضور فعال مردم و بدور از گروه گرایی و سازمان پرستی رقم بخورد، اصلی مسلم از حرکت اصلاح گرایانه می باشد. چه کسی می تواند زمام اعتماد خود را به گروههایی بسپارد که هیچگاه خود را مسئول عملکردهای خود ندانسته اند و همواره همانند تمامیت طلبان در صدد این بوده اند که اثبات نمایند یا همه چیز یا هیچ، یا "ما" یا هیچ کس دیگر. روشن است که ما بدنبال یک "قدرت مطلقه" دیگر نیستیم و این امر در تمامی مراحل حرکت اصلاح طلبانه باید دنبال شود. فریبی بزرگ است اگر تصور کنیم که اکنون اوایت ها چیز دیگری است و باید تن به خواسته های تمامیت طلبانه گروههای مسلح خارج مرز نشین داد و یا تحت تأثیر تبلیغات مسموم و انحصار طلبانه آنها قرار گرفت.

اگر حرکتی عمیقاً اصلاح طلبانه است، در تمام ریشه ها و اندیشه های منتسب به آن باید اصلاح طلبانه باشد. اصلاح طلبی یک مفهوم بنیادی است، چه در روشها و چه در آرمانها. فراموش نکنیم که استبداد طلبان چگونه در هر دو جبهه هماهنگ عمل می کنند. از یک طرف جناح راست مدعی است که مدافع مذهب، مردم و تمامیت ارضی و تعالی مملکت است، و طرف دیگر در حالیکه دم خروس عیان است فریادی مشابه بر می آورد و درست در لحظاتی که مردم خود آگاهانه بدنبال خواستهای معقول خود هستند مدعی رهبری همه چیز و همه کس می شود. اگر قرار بر اصلاح است باید همه جانبه بدان اندیشید و هرکس و هر گروه که روند اصلاح را به ضرر خود می بیند باید احساس کند که مورد حمایت مردم قرار نخواهد گرفت.

امسال بی شک سالی سرنوشت ساز خواهد بود. انتخابات مجاس ششم در پیس است و هیچ راهی جز شرکت فعال در انتخابات نمایندگی نیست. خطرات و مخاطرات بسیار است. جناح راست از هم اکنون تدارک عمده ای در غربال کردن نمایندگان بالقوه دیده است و بطور جدی مصمم است از اکثریت یافتن اصلاح طلبان جلوگیری کند. بخاطر داشته باشید که وقتی می گوئیم اصلاح طلبان منظور این نیست که تمامی آنان ایده آل های ما هستند. خیر. می گوئیم اصلاح طلبان چون پتانسیل تحول مثبت در آنان دیده می شود.

چون این یک حرکت رویه جلومی باشد. اصلاح طلبی خاتمه پذیر نیست، مهم اینست که ظرفیت پذیرش اصلاحات وجود داشته باشد. پس شایسته است که قدمها برداشته شوند، هرچند کوچک و ناقص. گستره عظیمی را در برابر داریم. در تمامی وجوه نیاز به اصلاح داریم ولی بدیهی است در یک چشم انداز گسترده قدمها متناسب با ظرفیت ها ارزیابی می شود نه در مقایسه با نیازها. با هر حرکتی ظرفیت ها گسترش می یابد و جبهه های جدیدی برای اصلاح باز می شود. به عنوان نمونه به یک مورد اشاره می کنیم. در حال حاضر طرح تقسیم انتخابات کشوری چنان است که یک نماینده از گرگان و آق قلعه بطور مشترک راهی مجلس می شود. آیا احساس نمی کنیم که این طرح تقسیم نیازمند "اصلاح" است؟ آیا هیچگاه نماینده ای که توسط اکثریت مردم این دو منطقه انتخاب می شود می تواند تمامی مشکلات مردم آق قلعه را منعکس و پیگیری نماید! ما می گوئیم آری فقط در صورتیکه در جریان یک پروسه زمان مند و پخته اقلیت همان احترام و حقوقی را دریافت کند که اکثریت. تا آن زمان نیاز داریم که نماینده مردم آق قلعه در مشارکت با مردم مثلاً بندر ترکمن و یا گمیش دفه و توابع آنها به مجلس فرستاده شود. ایده آل این است که یک ترکمن بتواند نماینده مردم بندرعباس هم باشد ولی تا آن زمان، حرکت اصلاح طلبانه ایجاب می کند که از دایره نزدیک شروع کنیم و سپس گسترش طبیعی آن را خواستار باشیم. لازمه چنین حرکتی مشارکت فعال در انتخابات و انتخاب مناسب ترین نماینده می باشد و همزمان طرح این خواسته معقول و منطقی مردم ترکمن که نماینده مردم باید مربوط و برخاسته از مردم ترکمن باشد. امیدواریم در زمانی نه چندان طولانی مذهب و نژاد عامل تمایز نباشد و هر انسانی بتواند نماینده انسانهای دیگر باشد. دردمندانه امید می بندیم که این بار تجربه شده ها را تجربه نکنیم و این حرکت، حرکتی باشد که هر روز امیدی از امیدهای تمام مردم این سرزمین را برآورده نماید.

والسلام

جمعی از دوستداران مردم ترکمن

باما میتوانید از طریق این آدرس تماس بگیرید:

PO Box 28056 TERRY TOWN PO  
2369 KINGSTON RD.  
SCARBOROUGH, ONTARIO, MIN 1V1

# تأملی درباره تمدن و جامعه مدنی

(بخش اول)

یا به اصطلاح امروزی جهان سومی \* نامید. سیر تکاملی جامعه بشری را برخی از نظریه پردازان و کارشناسان امور اجتماعی مثل کارل مارکس به پنج مرحله: کمون اولیه، برده داری، فئودالی، سرمایه داری و سوسیالیسم تقسیم نموده اند. و برخی نظیر الوین تافلر روند تکامل جامعه بشری را به سه موج تقسیم می‌کند. موج اول که آن را دوره ای میدانند که با انقلاب کشاورزی در ده هزار سال قبل شروع و تا انقلاب صنعتی یا موج دوم ادامه یافت و بالاخره موج سوم با تحولات اجتماعی و تکنولوژیکی در اواسط دهه ۱۹۵۰ آغاز و تا به امروز ادامه دارد. چه با این و یا آن نظر موافق باشیم یند چیز روشن است. جامعه انسانی در سیر تحول و تکامل خود از مراحل ابتدایی و نیمه توسعه یافتگی عبور کرده و به جامعه مدنی دست یافته است. حتی امروز در میان کشورهای به اصطلاح "جهان سوم" شاید ممالکی باشند که هنوز در مرحله ابتدایی تکامل خود بسر می‌برند. به این معنا که در این گونه جوامع نه مسکن ثباتی دارد و نه تهیه غذا انسان ها برای تأمین آسایش زندگی‌شان به شکل اشتراکی زندگی می‌کنند و زمانی که این آسایش‌ها پایان پذیرفت بساطشان را جمع می‌کنند و هر یک به سویی روانه می‌شوند. یا حتی اگر بقیه در صفحه بعد

اسپینوزا و غیره پرداختند و با تألیف برداشتها و نکرش‌های خودشان به اشاعه اصول خردگرایی و تجربه‌گرایی دست زدند. اما آنان توفیق نیافتند که مردم را با اندیشه‌های نو برای ایجاد جامعه مدنی بسیج نمایند. حتی کامیابی آنان در فراگیر ساختن اندیشه‌های خردگرایانه در میان روشنفکران زمانه خود نیز بسیار محدود بود. چرا که، نه شناخت کاملی از کلیت آن داشتند، و نه به طرق درستی شناخت و درک‌های خود را ارائه کردند. با توجه به گسترش بحث و فحص‌های روشنفکران و نیروهای سیاسی تجدد خواه ایرانی درباره این موضوع، ضروری دیدم که تأملی در باره جامعه مدنی و تمدن بکنم.

جامعه مدنی و نظریه تمدن موضوع تازه‌ای نیست. در ایران این موضوع ب طوری که اشاره شد در گذشته نیز مطرح شده و بحث‌هایی درباره اش صورت گرفته و تلاش‌هایی هم در را رسیدن به آن انجام شده است.

امروز وقتی از تمدن در دنیای کنونی صحبت می‌کنیم، تقریباً بر همگان روشن است که منظور تمدن موجود در کشورهای غربی یعنی اروپای غربی، آمریکا، ژاپن و امثالهم می‌باشد. در حالی که کشورهای نظیر ایران را می‌توان کشور نیمه توسعه یافته و

امروزه روز، بحث جامعه مدنی چه در داخل کشور و چه در میان ایرانیان خارج از کشور به طور جدی مطرح است. این موضوع در داخل کشور از دو سال پیش بدینسو، با روی کار آمدن رئیس جمهور خاتمی آغاز شد و سیاستهایی که وی و طرفدارانش در جامعه ایران پیش بردند روز بروز قوت بیشتری گرفت. تجربه دو ساله اخیر نشان می‌دهد که موضوع جامعه مدنی و خیز برداشتن به سوی جامعه متمدن تنها در بحث و حرف نبوده، بلکه کارکردهای عملی معینی نیز به دنبال خود داشته است.

اهمیت جامعه مدنی در شرایط کنونی ایران روشن است، ولی شناخت، فهم و چگونگی ارائه شناخت از این موضوع می‌تواند خالی از ابهام نباشد. شناخت ناقص از مقوله تمدن و ارائه ناقص‌تر آن دردی است که نه امروز بلکه از دوران انقلاب مشروطیت تا به امروز دانمگیر روشنفکر تجدد خواه ایرانی است.

روشنفکر ایرانی بر بستر تحولات اقتصادی-اجتماعی در دوران انقلاب مشروطیت نیاز به بازنگری در علم اسکولاستیک کهن و جهان بینی کهن را دریافت. و در جهت پاسخگویی به این مهم به دستاوردهای جدید فکری اروپا روی آورد. متفکرانی از قبیل میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و ملکم‌خان از این زمره اند. آنها به ترجمه آثار دکارت، کانت،

در منطقه‌ای اسکان می‌یابند و به کشاورزی و ماهیگیری پردازند مسکن است غذا و لباس کافی داشته باشند، اما هنوز نمی‌دانند چگونه ابزار بسازند. هر چند از داشتن خط بی‌بهره نیستند لکن هیچ گونه ادبیاتی بوجود نمی‌آورند. در این مرحله انسان هنوز قادر نیست بر موقعیت خود غلبه کند و در برابر نیروهای طبیعت از ترس خم می‌شود و متکی است به موهبت‌های اتفاقی.

سال‌ها طول کشید تا انسان جامعه‌ای بسازد که در آن نیازهای روزانه برآورده شوند. علت دستیابی به چنین جامعه‌ای آغاز استفاده از کشاورزی در مقیاسی وسیع بود. در این مرحله انسان خانه می‌سازد، اجتماعاتی تشکیل می‌دهد و نمای بیرونی یک دولت را می‌آفریند. اما در درون این نما کاستی‌های فراوانی وجود دارند. ادبیات رشد می‌کند ولی افراد قلبی خود را وقف بررسی‌های عملی می‌کنند. گرچه در مناسبات انسانی اندیشه‌ی سوء ظن و حسادت ریشه‌های عمیق دارد، اما وقتی که بحث بر سر ماهیت چیزهاست، انسان‌ها فاقد جرأت شک کردن و پرسش کردن می‌شوند. انسان‌ها در کار صنعتگری تقلیدی مهارت دارند، ولیکن به ندرت به تولید بدیع می‌پردازند. آنان می‌دانند که چگونه کهنه را به پروراند، اما نمی‌دانند که چگونه آن را بهبود بخشند. موازین و اصول پذیرفته شده‌ای وجود دارند که حاکم بر روابط انسان‌ها هستند ولی از آنجا که انسان‌ها بنده سنت‌اند، هیچ گاه در صدد تغییر این اصول بر نمی‌آیند.

نکات برشمرده بالا عمده‌ترین ویژگی‌های یک جامعه نیمه توسعه یافته است. این مرحله هنوز تمدن به معنای واقعی کلمه نیست.

اما تمدن چیست؟ ویل دورانت در تعریف

تمدن چنین می‌نویسد: " تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظم اجتماعی دانست که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند. در تمدن چهار رکن و عنصر اساسی می‌توان تشخیص داد که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان‌های سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. " به عبارت دیگر در یک جامعه متمدن انسان‌ها اشیاء جهان را در درون یک ساخت کلی طبقه بندی می‌کنند، اما این ساخت آنان را محدود نمی‌کند، روح و روان آنها آزادانه گردش می‌کند و کورکورانه به سنت‌ها نمی‌چسبند. مستقلاً عمل می‌کنند و اجباری ندارند که به لطف و مرحمت دلبخواه دیگران وابسته باشند. نه آرزوی قدیم را دارند و نه به جدید رضایت می‌دهند، با سودهای کوچک قانع نمی‌شوند، برای دستاوردهای بزرگ در آینده برنامه می‌ریزند و با تمام وجود در راه تحقق آن‌ها سر سخاتنه تلاش می‌ورزند. مسیر یادگیری شان تهی و باری بهر جهت نیست و در واقع اصل اختراع را اختراع کرده‌اند، کسب و کارشان روز به روز رونق می‌یابد و از همین راه منابع رفاه انسانی افزایش می‌یابد و به قول ویل دورانت " ظهور تمدن هنگامی امکان پذیراست که هرج و مرج و نادانی پایان پذیرفته باشد، چه هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاری و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد. " و این جهشی است به سوی فراسوی مرحله‌های

ابتدائی و نیمه توسعه یافته.

بایستی اکیداً توجه نمود که همه این مفاهیم اساساً نسبی هستند، لذا عجیب نخواهد بود اگر فردی که تمدن را ندیده است فکر کند که نیمه توسعه‌یافتگی، قله توسعه یافتگی است. در حالی که تمدن نسبت به مرحله نیمه توسعه یافتگی تمدن است. به عنوان مثال ایران در مقایسه با آلمان کشوری نیمه توسعه یافته است. اما اگر ایران را با افغانستان مقایسه نماییم، ایران را می‌توان متمدن حساب کرد. بهمین ترتیب هنگامی که چند هزار سال دیگر سطح دانایی، فضیلت اخلاقی و رفاه مردم جهان به پیشرفت‌هایی نائل آمده باشد، شرائط کنونی تمدن غربی به طرز رقت آوری ابتدایی به نظر خواهد رسید. در پرتو این نگرش می‌توان گفت که تمدن جریانی است بی انتها.

بعد از این توضیحات عمومی اکنون به وضعیت مشخص خود ایران نگاهی بکنی. همانطور که در آغاز اشاره کردیم موضوع جامعه مدنی و بحث تمدن موضوعی تازه نیست. نگاهی به تاریخ ایران این ادعا را روشن‌تر می‌سازد. خیلی‌ها هنوز باید به یاد داشته باشند که محمد رضا شاه پرچم " تمدن بزرگ " را برداشت و می‌خواست ایران را در ظرف مدت کوتاهی به "دروازه تمدن بزرگ" برساند. اما او ناکام ماند. خیل طرفداران شاه و نظام سلطنتی در ایران علت شکست را به طور ساده انکارانه در وقوع انقلاب بهمن می‌دانند. اما علت اصلی ناکامی شاه و نظریه پردازان نظام سلطنتی در حرکت به سوی جامعه مدنی در درک نادرست از مفهوم تمدن و جامعه بقیه در صفحه بعد



مدنی نهفته بود. وقتی باب سخن از تمدن کشف می‌شود باید بین صورت خارجی و روح درونی آن تفاوت قائل شد و باید دانست که همه ظواهر تمدن جزئیات تجربی اند، از غذا پوشاک و مسکن ابزارها و حتی نهادهای دولتی، قوانین و مصوبات حکومتی و غیره. اگر فقط همین چیزهای ظاهری را تمدن می‌نامیدند، طبیعتاً محمد رضا شاه نیز در ساختن تمدن در ایران کامیاب می‌شد. اما تقلید کردن از غرب، تقلید ظاهری را نمی‌توان تمدن نامید. نحوه لباس پوشیدن، شیوه غذا خوردن، مثلاً خوردن غذا با دست یا با چوب نشانه عقب ماندگی و با قاشق و چنگال نشانه تمدن بودن نیست. به نظر شما اگر کسی کوشش خوک بخورد آیا او تمدن است؟ ساختن خانه‌ها به سبک معماران غربی، ایجاد پل‌های آهنی، خرید تسلیحات پیشرفته از غرب و... آیا به معنای تمدن بوده است؟ پاسخ در همه موارد منفی است. درکی که حکومت شاه از تمدن ارانه می‌کرد مبتنی بود بر جنبه‌های ظاهری تمدن، این درک نه تنها کوششی برای انطباق آن‌ها با فرهنگ، رسوم، احساس‌ها و فضایل اخلاقی و اعتقادات و دانش خلق‌های ایران صورت نداد، بلکه با چشم پوشی و نادیده گرفتن این عوامل سعی کرد به زور اراده و از بالا و بدون اصلاح حکومت و قانون جامعه را به سوی تمدن پیش ببرد. این اقدامات نه تنها مردم را خشنود نکرد بلکه خشم آنان را علیه سلطه حکومت استبداد - سلطنتی برانگیخت. مردم در دوره اوج استبداد هیچ راهی برای بیان احساسات خود نمی‌یافتند. هر اقدامی مردم سرکوب می‌شد. ادامه این روند ناکزیر به تقابل قدرت حاکم استبدادی و قدرت

فکری و فرهنگی مردم منجر شد.

نتیجه چی شد؟ نتیجه آن بر هکاک اشکار است. جامعه ایران در یک دوره کوتاه مدت به طور سطحی و ناپایدار به پیش رفت، اما به طور خشونت باری عمیقاً به عقب رانده شد. شاید این روند را بتوان یکی از علل کلیدی انقلاب بهمن، سقوط شاه و روی کار آمدن خمینی ارزیابی نمود.

همانطور که پیش تر یادآور شدیم تمدن یک صورت ظاهری دارد و یک روح درونی. روح درونی؛ درونمایه تمدن؛ قسمت دشوار آن است و برای ساختن و بازساختن یک جامعه از آن باید شروع کرد. درونمایه تمدن را پیشرفت اقتصادی، ساختار سیاسی مبتنی بر دموکراسی، فضایل اخلاقی و دانایی تشکیل می‌دهد. ظواهر تمدن عموماً چیزهای مادی هستند که می‌توان آن‌ها را به ساده‌ترین وجهی به دست آورد. اما آیا هنگام پذیرش این چیزها بدون تأمل درباره پیامدها و اولویت‌ها می‌توان اقدام کرد؟ اقدام به چنین روشی نتایج فاجعه بار ببار خواهد آورد. تجربه شاه. برای پرهیز از آن همواره باید به احساس‌ها و رسم‌های ملت خود توجه داشت و منافع کشور را باید همواره در نظر گرفت. جان کلام آنکه، تمدن عبارت از آرایش معنوی و تکامل ذهن مشترک مردم است که نمی‌توان آن را نه خرید و نه فروخت. همچنین نمی‌توان آن را به آسانی و به کمک نیروهای انسانی بوجود آورد. تمدن پدیده‌ای است که باید به تمام جریان زندگی توده‌های مردم یک کشور سرایت کند و در مقیاس وسیعی از زندگی شهروندان آن تجلی یابد. متأسفانه روند "تمدن بزرگ" شاه بسیار به دور از این روند بود.

در ۲۰ دهه اخیر تئوری‌ها، مدل‌ها و

الگوهای مختلف رشد برای جوامع نیمه توسعه یافته ارائه شد. اما هیچ کدام نتوانست علاج درد عقب ماندگی آنان باشد. مدل‌های "سنتگیری سوسیالیستی" با فروپاشی سیستم سوسیالیستی کلاً به کنار نهاده شد. انواع تئوریهای رشد، وابستگی و غیره عملاً هیچ راهی برای تحول بنیادی جامعه بسوی پیشرفت و مدنیت ارانه ندادند. جوامع غربی به‌طور سرسام آوری به پیشرفت خود ادامه می‌دهند. جوامع نیمه توسعه یافته در جنبه عقب ماندگی دست و پا می‌زنند و ناامیدانه راهی به سوی آینده می‌جویند. این واقعیت برخی از متفکران و محققین علوم اجتماعی را معتقد ساخته است فاصله بین جوامع پیشرفته و کشورهای نیمه توسعه یافته در وضعیت کنونی بیش از پیش افزایش می‌یابد. و این جوامع شانس برای برون رفتن از مرحله کنونی تکامل خود ندارند.

اما تحولات چند دهه اخیر کشورهای حاشیه اقیانوس آرام عکس این ادعا را به ما نشان می‌دهد. کشورهای این منطقه بویژه کشورهای موسوم به ببرهای چهارگانه یعنی کره جنوبی، تایوان، هنگ‌کنگ و سنکاپور (در اینجا ژاپن را در نظر نداریم) توانسته‌اند تحولات عظیمی را در ظرف سی ساله اخیر به انجام رسانند. این تحولات علاوه بر جنبه اقتصادی، تحولی فرهنگی نیز می‌باشد. این کشورها با سازمان دادن رشد اقتصادی توانستند به رشدی نائل گردند که معادل پنج برابر رشد کشورهای صنعتی در جریان انقلاب صنعتی بود.

کره جنوبی در دهه‌های شصت و هفتاد

بقیه در صفحه بعد

میلادی عقب مانده‌تر از ایران بود. اما اکنون شرایط کاملا وارونه است. در سال ۱۹۶۵ تولید ناخالص ملی در کشور جنگ زده کره برای هر نفر ۱۲۰ دلار بود. در سال ۱۹۸۸ این رقم به عدد شگفت آور ۴۰۴۰ دلار رسید. اکنون توسعه اقتصاد کره جنوبی بیش از اقتصاد دانمارک یا اتریش است. در سال ۱۹۸۸ صادرات کره جنوبی نزدیک به ۶۰ میلیارد دلار بالغ شد. این صادرات مشتمل بر اتومبیل‌های هیوندای، کامپیوترهای دوو و ویدئو و ضبط‌های سامسونگ بود. چهل درصد این کالاها به آمریکا صادر شد. کانیایی‌های کره جنوبی در عرصه اقتصادی پشتوانه فرهنگی بسیار قوی دارد. در سال ۱۹۸۵ در صد کره‌ای‌های جوانی که به تحصیلات عالی مشغول بودند بیش از جوانان بریتانیایی بود. در کره جنوبی حدود یک سوم جوانان این کشور به دانشگاه راه می‌یابند. در این کشور ۸۵ درصد از گروه سنی ۱۷-۱۸ سالگان در مدارس متوسطه به تحصیل ادامه می‌دهند که در بریتانیا این نسبت ۴۶ درصد و در فرانسه ۷۵ درصد است. در آمریکا ۴۴ درصد از فارغ‌التحصیلان دبیرستانی به دانشگاه می‌روند، این رقم در ژاپن ۲۹ درصد، در فرانسه ۲۰ درصد، در ایتالیا ۲۶ درصد، در آلمان ۱۸ درصد، در هلند ۱۵ درصد در کره جنوبی ۲۶ درصد و در تایوان ۲۰ درصد است. تجارب کشورهای حاشیه اقیانوس آرام روزنه امیدی برای کشورهای عقب مانده آفریده، که از قافله تمدن بشری بیش از این عقب نمانند. آن چیز که این امید را به واقعیت نزدیک‌تر می‌نماید؛ همانطور که بارها اشاره کردم، شناخت و درک درست از تمدن و جامعه مدنی و کزینش شیوه‌های متدئانه

است. روشنفکران ایرانی در انقلاب مشروطیت و دوره‌های بعد از آن به اهمیت جامعه مدنی و نیاز جامعه چند ملیتی ایران به آن، جهت نیل به پیشرفت اقتصادی و اعتلای معنوی و فرهنگی اشاره کرده اند، گفته‌اند، نوشته‌اند، مبارزه و تلاش نموده اند. اما اکنون که در آستانه آغاز هزاره سوم میلادی قرار داریم در همان نقطه، و یابیه تعبیر بدینانه عقب تراز آن نقطه، ایستاده‌ایم. راز و رمز بی ثمری این همه تلاش چیست؟ هدف این نوشته بر بررسی این پرسش و برانگیختن خوانندگان به جستجوگری مستقلانه قرار دارد. داریوش آشوری طی مقاله‌ای با عنوان "ظاهر و باطن تجربه تاریخی ما در رویارویی با غرب" کوششی برای براملا کردن این راز کرده است. او در بررسی خود به نقد روشنفکران عصر مشروطه می‌پردازد. نتیجه‌گیری او گویای روشن وضع کنونی روشنفکر کنونی ایران است. ما بخش اول نوشته خود را با نقل آن به پایان می‌بریم.

"پس به راستی ما در تاریکی دست به این فیل می‌سودیم و دست هر یک از ما به هر جای آن می‌خورد گمان می‌کردیم که فیل همان است؛ یکی رمز چیرگی و برتری اروپائیان را در آزادی‌های سیاسی و اجتماعی می‌دید و در حکومت قانون، یکی در علم، یکی در صنعت، و هیچ‌یک نمی‌توانست تمامیتش را ببیند. دیدن آن در تمامیتش برای ما ممکن نبود، نهنگی به کشتی ما پهلو زده بود که هر یک از ما در تاریک روشنای غروب مدنیتمان سرش را می‌دید یا رویش را یا بالش را، و در این هنگامه ترس و آشوب، که همه به فکر نجات هستند و دست به آسمان برداشته‌اند چه کسی را

فرصت آنست که به آرامی بپرسد: "نهنگ چیست؟" و چه سان می‌توان آن را صید کرد؟

## آرمان

\* - جهان سوم به کشورهای اطلاق می‌شود که نسبت به کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری غربی (جهان اول) از توسعه یافتگی کمتری برخوردارند. کشورهای سوسیالیستی سابق جهان دوم محسوب می‌شدند. واژه جهان سوم در دهه ۵۰ قرن بیستم ساخته شد. این واژه کشورهای ظمیر هندوستان و یوگسلاوی را نیز در بر می‌گرفت. به دنبال فروپاشی سیستم استعماری در دهه ۶۰ کشورهای موسوم به "نارشدیافته" و "عقب نگه‌داشته" شده نیز در درون این واژه جای گرفتند. امروزه جهان سوم معنا و مفهوم رایج خود را اساسا از دست داده است. شاید در توضیح یک منطقه جغرافیایی کاربرد داشته باشد و نه بیش.

\*\* -

ایران	کره جنوبی
جمعیت: ۶۰ میلیون	۴۱,۳۰۰,۰۰۰
رشد جمعیت: ۲.۲	۱.۱
سواد: ۵۶٪ افراد بالای ۱۵ سال	۹۶٪ افراد بالای ۱۵ سال
سیستم سیاسی: حکومت ایدئولوژیک تک حزبی	چند حزبی مبتنی بر پارلمانتاریسم
قانون اساسی: مبتنی بر شریعت اسلامی	مبتنی بر قانون اساسی آنکلو - امریکایی
صادرات: ۱۲.۲ میلیارد دلار (۹۰٪ نفت)	۶۵ میلیارد دلار
واردات: ۱۱.۶ میلیارد دلار	۷۰ میلیارد دلار
روزنامه روزانه: ۱۰	۳۵
تعداد افراد روزنامه خوان: ۶۱۰,۰۰۰	۸,۶۵۱,۰۰۰
تعداد تولید کتاب: ۳۲۰۱ عنوان	۴۲,۸۱۲ عنوان
(آمار فوق مربوط به سال ۱۹۹۲، و از اطلس جهانی اخذ شده است.)	

# یک لحظه در گذر زمان

(۲)

در نوع خودش در تاریخ جنبش زنان ترکن بی نظیر بود. شاید این نخستین بار باشد که زنان و دختران ترکمن یکپارچه برای ارانه خواست های خودشان به خیابان ها آمدند. واقعا زیبایی و شان این حرکت توصیف ناپذیر است.

کل بی بی دست های قربانکندی را همچنان در دست هایش میفشرد و با همان هیجان به صحبت هایش ادامه می داد. تظاهرات موفقیت آمیزی که همه از آن با افتخار سخن می راندند در دفاع از رئیس آموزش و پرورش شهر، آدمی باکفایت و لایق، بود که مقامات بالا میخواستند او برکنار کنند و به جایش ابیاک را که دبیر شیمی و آدمی نالایق و رشوه خوار بود بگذارند. قربانکندی گفت " شعاری که دختران برای طرح خواسته شان درست کرده بودند خیلی جالب بود. مستحیر دوغری ابیاک اوغری (مستحیر درستکار ابیاک نابکار) وبا لبخندی کوتاه افزود اما اینهمه آغاز یک حرکت بزرگتر و گسترده تر است، باید امیدوار باشیم و بکوشیم که این جنبش ما بارورتر بشود. ولی نباید فراموش کنیم و یا به قول شاعر :

در من یا در تو

توان رویدن هست

در من یا در تو

توان تابیدن هست.

اما...

با یک شکوفه باغ بهاران نمی شود

با یک ستاره شهر چراغان نمی شود.

با گفتن این کلمات دست هایش را به آرامی از دست های

کل بی بی رها کرد و برای اولین بار به چهره او مستقیم نگاه کرد.

موهای سیاهش از زیر چارقت رنگارنگش معلوم بود، چهره اش

بقیه در صفحه بعد

خوبی و بدی، سبکی و سنگینی، زیبایی و زشتی، عشق و نفرت، شادی و اندوه همه مفاهیمی نسبی اند. در زندگی شاهدیم که اغلب شادی یکی اندوه دیگری است.

آن روز هوای شهر از موج شادی رنگی دیگر به خود گرفته بود. رنگ و بوی شادی نه خالص که آمیخته با اندوه بود. اندوه از آن آنانی بود، که شهر را بدانگونه که بود میخواستند حفظ کنند نه آنگونه که آرامش معمول شکاف بردارد و طرحی نو در آن انداخته شود. با این وجود، شادی و میل به خواستن، خواستنی عاشقانه و نیکخواهانه در ذرات هوای شهر به سرعت در گردش بودند. شادی، شور و شعفی بکر در شریانهای آدمهای شهر به جریان انداخته بود. آدمها آکنده از شوق درباره اقدامات یکدیگر سخن میگفتند. باغ ملی شهر، نمایشگاه کتاب، مملو بود از جمعیت، جمعیتی که آنروز قدرت یکپارچه خود را به نمایش گذاشته بود. گل بی بی در گوشه ای از چادر نمایشگاه قربانکندی را دید، از میان انبوه جمعیت برای خود راه باز کرد تا به او برسد. قربانکندی نیز متوجه آمدن گل بی بی بسویش شد، همانجا ماند تا او بیاید. گل بی بی تا به او رسید دست هایش را گرفت و با خوشحالی زایدالوصفی گفت: " واقعا خسته نباشید! قربانکندی نیز باندازه گل بی بی شاد بود، ولی شادی گل بی بی توأم با ذوق زدگی و هیجان بود.

قربانکندی در پاسخ گفت: " باید به شما خسته نباشید گفت. کاری که شما امروز کردید کار بسیار بزرگی بود... گل بی بی نگذاشت که او حرف هایش را تمام کند. این کار، اقدام هزاران زن و دختر ترکن بود که دوش بدوش برادران خود قدرتشان را به نمایش گذاشتند. واقعا چه زیبا بود که آنهمه دختر ترکمن با لباسهای ترکمنی خود در تظاهرات شرکت نمودند، مادران زیادی نیز در میان آنها حضور داشتند. زیباتر از همه اینکه این حرکت

می‌گذاشتی بعد با من مشورت میکردی. با همه این احوال به نظر من، شاید تنها کسی که شما میتوانید براحتی با او کار کنید قربانگلدی‌ست. چونکه او آدم یکرنگی‌ست، در عمل هیچ مرزی بین زندگی خصوصی و عمومی اش قائل نیست اگر خوب دقت کنی او را همچون يك خانه شیشه ای می‌یابی که هیچ چیز پوشیده ندارد، همه چیز او بر همه نگاه‌ها عیان است. او مثل خیلی از این بر و بچه‌ها که دانشجو هستند، دانشجو نیست ولی او بیشتر از آنها کتاب خوانده و بیشتر از آنها سرد و گرم روزگار را چشیده و بیشتر از آنها درک می‌کند، اما به این برتری خود کمتر توجه دارد. " و بدون اینکه گل‌بی‌بی بشنود با خود گفت و بهمین خاطر از اعتماد به نفس آن چنان بالایی برخوردار نیست.

گویا با نگاه‌های نافذش می‌خواست این بار او را دقیق‌تر بشناسد. نگاه‌های او تا اعماق قلب پسر جوانی که در برابرش قرار داشت نفوذ کرده بود. دیگر نه واژه‌ها و کلمات، نگاه‌ها بودند که با هم حرف می‌زدند. در این لحظه کوتاه، لحظه‌ای که تنها نگاه‌ها با هم گفتگو میکردند، دنیایی از حرف رد و بدل شده بود، گویا زمان در این لحظه ایستاده بود. به ناگاه صدایی آن لحظه زیبا را به پایان رساند. صدای تاشلی بود که در همه آنبوه جماعت حاضر در نمایشگاه فریاد می‌زد " قربانگلدی میتونی يك لحظه بیایی این جا " قربانگلدی در يك آن به خودش آمد و خطاب به گل‌بی‌بی گفت " اگر کاری با من نداری من از حضورتان مرخص میشوم " و در جواب شنید " چرا يك کاری با شما داشتم که همین الان به ذهنم آمد، ولی بهتره که فعلا به کمک تاشلی بروید، من تا نیم ساعت دیگر شما را روی تپه میل گنبد میبینم، فعلا خدا حافظ. "

برج گنبد بر فراز تپه ای خاکی، که ارتفاع این تپه از سطح زمین ۱۵ متر است، تقریباً هزار سال پیش بنا شده است. این برج در زیر سمت شرق کوه‌های البرز و در برابر صحرای پهنای آسیا، یکی از بزرگترین شاهکارهای معماری ایران با تمام شکوه و عظمت خود قد برافراشته است. این بنا بقعه آرامگاه قابوس بن وشمگیر می‌باشد. این گنبد که اهالی بومی به آن میل نیز می‌گویند در زمان‌های دورتر راهنمای خوبی به کاروان‌ها بوده است. این برج با عظمت شامل دو قسمت است يك قسمت شامل پای بست بنا و بقیه در صفحه بعد

خوش ترکیب و سبزه بود، بینی او قشنگ و ظریف و هماهنگ با ترکیب صورتش بود، ابروانش کمانی و زیبا، مژگانهایش بلند و مشکی، چشمهایش درشت و سیاه بود. چشمان ریز و قهوه‌ای قربانگلدی با حالت محجوبی، بعد از کردش کامل، با چشمهای جذاب و وسایهی که به او نگاه میکرد تلاتی کرد. نگاهها در هم ثابت ماند، در يك آن هر دو حضور آنهمه جمعیت را به فراموشی سپرده بودند و همچنان همدیگر را نگاه میکردند. گل‌بی‌بی قلبش بشدت شروع به تپیدن کرده بود. نمی‌دانست این تپش غیر عادی ناشی از هیجان تظاهرات موفقیت آمیز آنروز بود و یا اینکه تظاهر چیزی دیگر. کف دست‌های قربانگلدی را نیز عرق کاملاً پوشانده بود. جریان خون در رگهایش بطور محسوسی شدت یافته بود که حرکت آنها با تمام وجود لمس میکرد.

بعد از جلسه‌ای که امان‌دردی با دختران گذاشته بود، گل‌بی‌بی رابطه دختران و زنان فعال را از طریق قربانگلدی با پسران تنظیم می‌کرد. آنها طی اینمدت بارها همدیگر را دیده و درباره مسائل مختلف بحث و گفتگو کرده بودند. بارها اتفاق افتاده بود که در امور عملی مربوط به نمایشگاه کتاب، عکس و یا نمایش فیلم اقدامات مشترك را سازمان داده بودند. گل‌بی‌بی بخاطر رك كونی خشن و خشك قربانگلدی چندان از او خوشش نمی‌آمد. بركات اتفاق افتاده بود بر سر مسایل مختلف و چگونگی پیشبرد این یا آن مسئله با هم اختلاف نظر و یا تفاوت سلیقه پیدا کنند، اکثر اوقات این گل‌بی‌بی بود که عقب نشینی می‌نمود، بهمین خاطر او را آدمی غیر معطوف می‌پنداشت و احساس میکرد کار کردن با او برایش دشوار است. از طرف دیگر به‌خوبی پی برده بود که او آدمی پیکیر، توانا و تترس است. بارها به تجربه بهش ثابت شده بود که او می‌تواند با حداقل امکانات ممکنه بیشترین کارها را در زمان معین انجام دهد و در عین حال میدانست او انسانی حساس و دارای پرنسیب است. علیرغم تحسین خصلت‌های مثبت او، بخاطر رك كونی‌های بی‌پرده و گاه خشن او علاقه زیادی به کار مشترك با وی را نداشت. به‌همین خاطر، در این اواخر، در فرصتی که بدست آورده بود با امان‌دردی درباره این موضوع همفکری کرده بود. امان‌دردی بعد از شنیدن تمام حرف‌های گل‌بی‌بی در پاسخ به او گفته بود " چرا با خود او صحبت نکردی، آیا بهتر نبود که اول با خود او این مسائل را در میان

و مقابله با زورگویی از دوران بچگی اش خیلی مهم بود، حاضر بود این مسئله را حتی با فدا کردن جانش به اثبات برساند. چشمانش را گشود و به نظر می‌رسید مسئله را حل کرده، قدم‌هایش را تندتر کرد و به خود گفت احساسات من نمی‌تواند خارج از احساس مشترک ما برای آرمان‌های مشترک باشد.

زمانی که قربان‌گذاری بروی تپه رسید دید کل‌بی‌بی مشغول نگاه کردن برج است. به آرامی در کنارش ایستاد و گفت هزار سال از عرش می‌گذرد. کل‌بی‌بی سرش را برگرداند و گفت خیلی جالبه، این برج را بخوام نخوام هر روز می‌دیدمش اما هرگز مثل الان که داشتم به برج نگاه می‌کردم به وقار و خاموشی آن بی‌نبرده بودم. هزار سال خاموش و با وقار در اینجا ایستاده، خیلی با عظمت است، حسابشو بکن تو این مدت همه اتفاقاتی که بر مردم این سرزمین رفته شاهد بوده، شاهد شادی‌ها و رنج‌ها، جنگ و ویرانی، شکست و پیروزی، سازندگی و آبادانی. همه را دیده ولی خاموش و صامت تا به امروز پا بر جا مانده، سنگ صبور که می‌گویند همین است. قربان‌گذاری ساکت به حرف‌های او گوش می‌کرد، وقتی صحبت‌های او تمام شد گفت لابد الان به حرف‌های ما نیز گوش می‌دهد حرف‌هایی که شاید چندین و چند بار آن‌ها را از زبان دیگران شنیده و با خودش می‌گوید که انسان‌ها چقدر تکرار میکنند و لحظه‌هایشان را با تکرار پر می‌سازند. و نمی‌دانند، و یا شاید نمی‌خواهند بدانند که زندگی آن‌ها همین لحظه‌ها هستند. مهم آن است لحظه‌ها پر شوند و گرنه زندگی آن‌ها تهی می‌شود. انسان‌ها از تهی شدن می‌ترسند به همین خاطر به پر کردن لحظه‌ها ولو از طریق تکرار روی می‌آورند.

کل‌بی‌بی متفکرانه لبخندی زد و گفت این حرف‌های خودت است که از زبان برج می‌گویی یا اینکه حرف‌های برج است. بعد برای آنکه موضوع صحبت را عوض کند پرسید: "هیچ هوس کردی بالای این برج بری؟"

هوس نکردم، نه. ولی یکبار این امکان برایم پیش آمد، سال ۴۹ برج را تعمیر میکردند، داربست‌های فلزی دور تادور، از پایین تا سر برج زده بودند، من ویکی از دوستانم که البته در آنوقت خیلی کم سن و سال بودیم تصمیم گرفتیم تا بالای برج برویم. تا

بقیه در صفحه بعد

بدنه و دیگری کنبند مخروطی. ارتفاع کل برج هفتاد متر است، ۱۵ متر ارتفاع پای بست و ۵۵ متر ارتفاع خود برج. بدنه مدور خارجی برج کنبند دارای ده ترک (دندانه نود درجه) می‌باشد، همانند ستاره ده پر، این ترک‌ها که در اطراف آن و به فواصل مساوی از یکدیگر قرار دارند، از پای بست شروع و تا زیر سقف کنبندی ادامه می‌یابد و میان این ترک‌ها با کوهه‌های آجری (به جز درب ورودی) پر شده‌اند. دو ردیف کتیبه کوفی که متن مکرر است به صورت کمربندوار بدنه برج را زینت بخشیده‌اند که یک ردیف آن در هشت متری پای آن و دیگری بالا در زیر کنبند مخروطی قرار دارد.

قربان‌گذاری هنگامی که از دامنه تپه بالا می‌رفت به چند لحظه پیش، لحظه‌ای که نگاهش در نگاه کل‌بی‌بی قفل شده بود فکر کرد هرچه بیشتر فکر می‌کرد شدت ضربان قلبش بالا می‌رفت. با خود گفت، آدم وقتی از سربالایی بالا می‌رود تپش قلبش نیز بیشتر می‌شود، چند قدم دیگر به پیش برداشت و از گفته خود پشیمان شد، و با خود نجوا کرد خودفریبی آغاز مردم فریبی است. چرا به خودت دروغ می‌گی مرد، این چشمان سیاه و زیبایی وحشی دختره است که به قلب و روح تو تلنگر زده. با خود اندیشید، نه این درست نیست، این درست نیست آدم به رفیق خودش به چشم دیگری نگاه کن. فکر شو بکن اگر رقابت به این احساس تو پی ببرند چه خواهند گفت. آن وقت چه چوری می‌خواهی سرت را بالا بگیری، چطور می‌توانی به چشمان آنان، آنانی که این همه به تو اعتماد و احترام می‌گذارند، نگاه کنی. در افکار کوناگون غوطه‌ور شده بود، لحظه‌ای ایستاد و چشمانش را بست. بیاد آورد زمانی را که نوجوانی بیش نبود. در آن ایام جوانان و نو جوانانی که برای دیدن زدن و چشم‌چرانی دختران محله‌شان می‌آمدند یک فصل حسابی از دست او کتک می‌خوردند. برای او فرق نمی‌کرد حریفش کوچک یا بزرگ، ضعیف یا قوی یک یا چند نفر باشند، از پس همه‌شان بر می‌آمد. به همین خاطر تمام دختران محله او را دوست داشتند. اگر کسی مزاحم‌شان شده بود کافی بود به او بگویند تا از شر مزاحمت‌های بعدی خلاص گردند. نه فقط دختران محله بلکه بزرگترهای محله نیز به خاطر احساس مسئولیتش به او اعتماد داشتند. برای او مورد اعتماد واقع شدن

## تسلیت

در حدود ساعت ۲ بامداد روز هفدهم ماه اوت در عرض چند ثانیه یکی از بزرگترین فجایع طبیعی قرن حاضر در کشور ترکیه به وقوع پیوست. زلزله دهشتناک به قدرت ۷،۴ ریشتر در نقاط صنعتی و پرجمعیت شمال غربی این کشور حادث گردید، که با برجای گذاشتن دهها هزار کشته و زخمی سرتاسر ترکیه را در ماتمی سنگین و تشویشی جانکاه و سرتاسر دنیا را در تأسف و احساس همدردی عمیق فرو برد.

در نخستین ساعاتی که این خبر ناگواری توسط رسانه های گروهی به اطلاع جهانیان رسید، کلیه کشورهای دنیا بدور از ملاحظات سیاسی و مذهبی به یاری قربانیان حادثه شتافتند. با فراخوان های عمومی به ایجاد مراکز جمع آوری کمک ها و اعانات مردم جهت ارسال هر چه سریعتر آن، جهت التیام بخشی از دردها و زخم های فلاکت زدگان و نیز اکیپ های نجات اقدام گردید.

این همیاری جهانی و جنب و جوش های نودوستانه خود نمایی امیدآفرین و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای فرهنگ و تمدن جامعه بشری می باشد.

ما ضمن اظهار همدردی عمیق و عرض تسلیت به بازماندگان این حادثه جانکداز، خوانندگان گرامی را به شرکت در فراخوان کمک های بشردوستانه از سوی ارگانها و جمعیت های ذیربط دعوت می کنیم.

وسطه‌هاش که رسیدیم سر من شروع به کیچ رفتن کرد ولی به دوستم گفتم تو برو بالا. او تا نوبت برج رفت. میدونی وقتی آن بالا رسید چه کار کرد؟

– نه

– "شروع کرد به شاشیدن."

هر دو شروع کردن به خندیدن. در بالای تپه قدم میزدند و شهر را نگاه میکردند. قربان گلدی تصمیم گرفت راجع به آن لحظه شیرین و درباره احساسات و افکارش به او بگوید. اما نمی دانست از کجا و چگونه شروع کند. به خودش جرأتی داد و شروع کرد به صحبت، می خواستم راجع به ... مکشی طولانی کرد، کل بی بی نگاهش کرد و به او فهماند که منتظر شنیدن ادامه حرف ناتمام اوست. گلوی قربان گلدی خشک شده بود، به زحمت آب دهانش را قورت داد و گفت می خواستم راجع به کاری که با من داشتی بپرسم، خوب با من چه کار داشتی؟

– یکی از دختران علاقمند به فعالیت از طرف خانواده اش شدیداً زیر فشار است، باید یک طوری به او کمک کرد. به نظر شما در این مورد چه کار میشه کرد؟

– فکر نمی کنم تنها این مورد باشد. این موضوع احتمالاً عمومیت دارد. همیشه یکباره کاری صورت داد، باید امیدوار بود که حرکت های اجتماعی به حل این مشکل کمک بکند.

– آخه این مورد مشخص حالت استثنائی دارد. منظورم اینه که این دختره خواهر تاشلی است. همین رفیق تاشلی که خیلی هم فعاله. او در خانه نه تنها هیچ کمکی به کمتر شدن فشار والدین به خواهرش نمی کنه بلکه بعضی وقتها خودش هم خواهره را از شرکت در فعالیت ها منع میکنه.

– عجب... تنها کاری که من میتوانم بکنم صحبت کردن با تاشلی ست.

– من هم همین را می خواستم.

قربان گلدی گفت: "اگر کار و صحبت دیگری نیست بهتره که برویم و من تاشلی را قبل از اینکه برود گیر بیاورم و سر این قضیه باهاش صحبت بکنم."

ادامه دارد

هیئت تحریریه ایل گون

ر. الف. جانلی

## بررسی آثار ماغتیم قولی پراغی

### روح وحدت طلبی، آزادی و استقلال در آثار ماغتیم قولی

ماغتیم قولی وحدت دو طایفه بزرگ ترکمن یعنی یموت و کوکلان را اولین قدم حیاتی جهت مقابله با استبداد و کسب استقلال خلق ترکمن می دانست. او با وسواس و حساسیت خاصی مسائل این دو طایفه را دنبال می کرد. اتحاد آنها و کسب پیروزیان شاعر را خشنود کرده و پر و بالی به وی می داد. برعکس ایجاد تفرقه بین این دو طایفه و متعاقب آنهم راه افتادن برادرکشی و به اسارت گرفتن یکدیگر، از تلخ ترین لحظات زندگی شاعر بشمار می آمد. ماغتیم قولی نه فقط آرزوی وحدت یموت ها و کوکلانها را در دل می پروراند، بلکه به ضرورت وحدت دیگر طوایف، جهت پیش بردن مبارزات رهای بخش و استقلال طلبانه ترکمن ها و دست یافتن به پیروزی نهایی بی برده بود.

شاعر بخوبی درک می کرد که اگر اتحاد پایداری بین یموت ها و کوکلانها برقرار شده و دیگر طوایف نیز از آنها ناسی می کردند، یورش مداوم خان های خیره، امیران بخارا و ارتش ایران قابل دفع خواهد بود:

تکه سالتر اتسه یوقاردان  
یاغی نینگ ناماردی، مردی بیلینیز.  
و یا :

تکه یموت، یازیر، کوکلنگ، آخال ایلی بیر بولوپ  
قلسا بیر جایقاییوزیر، آچیلار کولاله سی  
کول لی قزلباشی بارسینی اتدی داغ ارقاسینا

کیجه ساها یاتاییر، کلر اولارینگ نالاسی.

کم نیستند اشعاری که شاعر با این مضمون سروده است.

ماغتیم قولی در اشعار خود اغلب به مقولاتی چون پایسردی و از خود گذشته مبارزان پرداخته است. شاعر قهرمانی را که در برابر یورش های مداوم متجاوزین ایستادگی کرده و خلق خود را در مبارزه علیه این چپاولگران رهبری نموده تا پای جان از مرز و بوم و خلق خویش دفاع کرده اند، ستوده است.

اتفاقی نیست که چهره این رادمردان در خلال اشعار شاعر همواره می درخشید:

بیکیت اولر یورت اوستونده .

جانین بریب آر اوستونده .

قوچ بیکیت لر ایل اوستونده،

نایس بیلن آر کرکدیر.

ماغتیم قولی در مقابل، کوه بینی کسانی را که به تبع ارجح شدن منافع شخصی و آزمندی های فردی بر منافع عمومی و کنار کشیدنشان در روز پیکار را ملامت کرده، آنان را سزاوار داغ-ننگین می داند:

موخان نسینگ بولماز نایسی-آتکی

بیر ساواش کونونده ایله مز جنکی

آغا-بکلر . موخان نسینگ ان مونکی

مرت احلینینگ آتلی یوزینه دکیز.

سراسر قرن ۱۸ و نیمه اول قرن ۱۹ میلادی، ترکمنستان جنوبی شاهد هجوم بیوقفه حکومت ایران و خان های خیره و بخارا بود.

بویزه ساکنان کناره های رودهای کرکان و اترک از غارت و چپاول ارتش ایران لحظه ای درمان نبودند. در این رابطه است که شاعر با درد و رنج به یورش های خونین ارتش ایران اشاره کرده میگوید:

داغدان اشیب قزلباشینگ ارداسی

کوزل ایلم ویران قتلدی نیلین.

ماغتیم قولی سرنوشت دردناک خلق ترکمن در آن دوران را با کلمات فوق خیلی گویا ترسیم

کرده است. تداوم جنگ های خونین، چپاول و نارتگری بیوقفه، زندگی عادی را از خلق ترکمن سلب کرده بود. در چنین شرایطی است که شاعر خطاب به خلق ترکمن خویش میگوید:

پیراغی یوز تترار تورکن ایلینه

دوشا قول اورداسین قوزیل کولونه.

دوستلار، بیزی آحیراتینگ سیلینه

قارق اتسانکا آقب قمرلسین اییدی(ایندی)

در آثار ماغتیم قولی به اسامی کسانی چون چاودورخان، کمال خان اوغان، آناحالی، آتا نازار و غیره برسیخوریم، که متأسفانه در بررسی اسناد تاریخی مربوط به آن دوران نشانی از آنها یافت نمی شود. قدر مسلم این افراد از نزدیکان و همزمان شاعر بوده اند که هر یک به نوبه خود در راه آزادی، و رهایی خلق خویش رزمیده اند. شاعر در اشعار خود این رادمردان را "بیغین کورگی و یاووز کونونینگ توره سی" و چاودورخان را "کونکول دیره کی" خطاب میکرد:

کله بیلز اییدی ایلیزدی) بادیندان درشان

کلن تاپدی کیتدیروزوندان.دوشان

در اینجا شاعر به سفر چاودورخان اشاره می کند که جهت انجام ماموریت تاریخی به نایندگی خلق ترکمن به همراه تنی چند از یاران عازم افغانستان شده بود.

ماغتیم قولی پس از کسب خبر کشته شدن چاودورخان و یارانش به دست جاسوسان حکومت ایران، با درد و اندوه می گوید:

یوموت، کوکلنگ یولا چیقیپ، باقشپ

اومیت اتدی ایل لر، آمان. چودورخان

مردم ستمدیده ترکمن که با نگاهی پر امید خود به چاودورخان و یارانش به سوی افغانستان بدرقه کرده و آرزوی "آمان ساغ قایدیپ کلینگ" آنها را داشتند، با دریافت خبر ناکوار، جامه

سیاه بر تن کرده عزای عمومی اعلام می کنند.

قارا کییپ. قان بیغلاشاندیغینی...

از طریق مطالعه آثار شاعر می توان تشخیص

مآخذ: نشریه ترکمنستان، ارکان کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران دوره اول، سال اول، شماره اول، شهریور ماه سال ۱۳۶۶.

## پیشنهادات آمریکا برای حل اختلافات آذربایجان و ترکمنستان

آمریکایی ها پس از انجام تحقیقات پیشنهاد کردند که حوزه نفتی "کپز" که ترکمن ها به آن نام "سردار" می نامند جزو اراضی ترکمنستان محسوب شود. الهام علی اف، پسر رئیس جمهور آذربایجان و معاون اول شرکت نفت دولتی این کشور "سوکار" ضمن مثبت ارزیابی کردن پیشنهادات آمریکایی ها، اظهار داشت، این امر نشانگر آن است که دولت واشنگتن علاقمند به حل اختلافات می باشد. وی همچنین می گوید که در این زمینه باید یک شرکت مشترک تشکیل گردد و هر دو کشور مشترکا از ۱۲۰ میلیون تن ذخائر نفتی این حوزه بهره برداری نمایند. ترکمنستان تاکنون به این پیشنهادها واکنشی نشان نداده است.

## ایران از آذربایجان نفت نمی خرد

بنا به گفته مقامات جمهوری آذربایجان صدور نفت و فرآورده های نفتی به ایران متوقف شد. علت متوقف شدن را فروش ۵۰۰ هزار تن فرآورده های نفتی به اوکراین و عدم تمایل ایران به خرید آن اعلام کرده است.

داد که ترکمن در مصاف با دشمنان به چه تاکتیک های جنکی دست یازیده و چه نوع وسایل حربی بکار میبردند. ماغتیم قوی از ابزاری چون ششیر، نیزه، تبر و کمان اسم میبرد که در واقع وسایل دفاعی ترکمن ها در مقابل یورش های بیگانگان بوده اند. در شعری که شاعر در سوک چاودورخان تحت عنوان "زار لار ایچینده" می سراید، با اشاره به کمان معروف اصفهان خطاب به او می گوید:

کیمه نصیب اتدی ایسپیهان یایننگ. شعر "اونکی آردی بیلیمز" نیز در این رابطه سروده شده است:

"اوج مونگ نایزا بازی باردنر نوکردن، تورت مونگ پیلداری بار، قالا ییکاردان... اشعار ماغتیم قوی در بالا بردن روحیه مبارزاتی توده ها، بویژه در مبارزات رهانی بخش خلق ترکمن در نیمه دوم قرن نوزدهم نقش بسزایی داشت. در دوره بعد از ماغتیم قوی نیز شاکردان بنام او چون سیدی، ذیلی و کیمه در رد قاطع تفرقه و چند دستگی میان مردم و در لزوم مبارزه آنها برای هدفی واحد و مشترک بویژه در شرایطی که خلق ترکمن بلاانقطاع آماج یورش های خونین متجاوزین بود، اشعار حماسی سروده اند. ذیلی شاعر و مبارز خلق ترکمن که خود از نزدیک شاهد بدبختی ها و دردیهای مردم بود، می گوید:

حایب، آبات ایل لریر-بیبات بولدی کونکول آرزو ایلار واتانیم سنی. ذیلی در نامه ای که خطاب به دوست خود سیدی، شاعر رزمنده خلق ترکمن می نویسد، با اشاره به حملات متوالی متجاوزین "ریزقننی" "ساغدان-سولدان تاپنیپ"، با مشاهده دردناک اسارت و بردگی افراد بی گناه در بطن سرزمین خود بوسیله متجاوزین و به خاک و خون کشیده شدن سراسر منطقه، چنین می گوید:

یسیرنک ایلرسی یاریپدیر تاحرانه، قایراسی بولیپدیر حیوا، سیدی! یوقارسی بولوتن، آشانی دنکنز، پنترادی ایل بو ایکی آرا، سیدی! سیدی، شاعر و مبارز نامدار، که خود نیز در مبارزه علیه امیر بخارا جامعه رزم بر تن کرده بود، خطاب به دیگر مبارزان ترکمن می گوید:

تکه، سالیر، ساریق، قارا بکه وول، بیر اوتورویپ، بیله تورالی بک لر. سیدی که بدنبال جنگ و گریزهای بی وقفه مجبور به جلائی وطن می شود، با احساس درد و غربت و عشق به وطن چنین میگوید:

تا اولینچاک، اوستومیزدن اوتندن، کزسنگ کورک سنی سوراب خوش ایندی. ماغتیم قوی مبارز و شاعر بزرگ خلق ترکمن سراسر عمر خود را در پیکار علیه متجاوزین و ستکران سپری کرد. او ایده های استقلال طلبانه و آزادیخواهانه خویش را استادانه در قالب اشعار ریخت و چون خریه ای بر علیه دشمنان خلق خویش بکار بست.

شاعر همیشه در آرزوی استقلال سرزمین خلق ترکمن و تشکیل دولت ملی بود. لذا تاریخ تقسیم ترکمنستان، در سال ۱۸۸۱ میلادی بین روسیه تزاری و ایران و تعلق ترکمن ها به دو کشور همسایه، سرنوشت سیاسی این خلق نیز در دو جهت مختلف سیر میکند.

بدنبال وقوع انقلاب کبیر اکتبر در روسیه و تشکیل جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان شوروی، "عاجاب ایامی" که ماغتیم قوی در اشعارش بدان اشاره میگردفرا سیده و "کوزل ایلی" که وی در آرزوی آن بود، در این سرزمین شکل میگرفت. کانون فرهنگی-سیاسی خلق ترکمن ایران به همت پیکار خستگی ناپذیر فرزندان راستین خلق ترکمن، در جهت تحقق آرزوی دیرینه شاعر و تشکیل حکومتی خودمختار در ترکمنستان ایران، علیرغم وجود هزاران مانع و رادع لحظه ای از مبارزه باز نخواهد ماند.



## در اندر زوایای مبارزه با فراخنای استعمار فرهنگی و زبانی

خواننده محترم ،

مقاله ای را که در ذیل می خوانید ترجمه برخی از گزارشات و مطالب مربوط به حق عمومی برای زبان مادری است که از مجله پوگرم (pogrom) به ودیعت گرفته شده است . بنا به مشابهت تنوع فرهنگی و تعدد زبانی کشور اسپانیا با کشور ایران سعی بر آن شده که مقاله، با برخی مثالهای روشن از عملکرد رژیم جمهوری اسلامی با مسئله ملی و زبان با هم ادغام شود تا به خواننده شناخت واضحتر و بهتری ارائه شود. مسلما هدف این مختصرنامه مقایسه دو کشور از لحاظ زبانی و فرهنگی نبوده و نیست، بلکه بیشتر آشنایی با تجارب سایر ملل در احیا و بازسازی زبان مادریشان می باشد.

اخیرا در بارسلون اسپانیا کنفرانس جهانی زبانهای غیرحکومتی و غیردولتی بنا به دعوت Ciemen (Centre Internacional Escarre Pera les Mionres Etniques in Nacionalists)

که یک سازمان غیروابسته به حکومت می باشد برگزار گردیده است. این سازمان تحت حمایت یونسکو و برخی ادارات وابسته به کمیسیون اتحادیه اروپا قرار دارد.

روند ایجاد تشکیل کنفرانس جهانی زبان از آنجا ناشی میشود که مجریان کنفرانس و بخصوص رهبر آن آقای Aureli Argemi بر این اعتقاد هستند که تمامی زبانهای دنیا از حق یکسانی برخوردارند و این بدین معناست که اقلیتهای زبانی نه تنها حق برای زبان مادری خود دارا می باشند بلکه تمامی

آنهایکه در منطقه

اقلیتهای زندگی می کنند موظف به یادگیری زبان محلی بوده و باید از این زبان در مکالمات و مکاتبات اداری و غیراداری استفاده نمایند.

اعتقاد به برابری زبانها که در بیانیه بارسلون آمده است محتوای ریشه عمیق تاریخی در این کشور دارد. از سده ها پیش شاهان اسپانیایی زبان کاستیلی ( زبان فعلی اسپانیا ) را زبان رسمی و ملی اسپانیا قرار داده و زبانهای دیگر مثل کاتالانی ، باسکی ، گالیسی را تحت فشار قرار داده اند. درست مثل کشور خودمان که زبان فارسی زبان رسمی و زبانهای دیگر مثل ترکمنی ، ترکی ، کردی ، و ... تحت فشار قرار داده شده و میشوند ا در جریان حکومت فرانکوی دیکتاتور تمامی بچه ها در مدارس تنبیه و مسخره میشده اند ، اگر به زبان کاتالانی ، باسکی و ... صحبت میکردند. ا در زمان شاه و حکومت جمهوری اسلامی هم برای مثال زبان ترکی به باد مسخره گرفته شده و می شود. صنعتی شدن عظیم کاتالان و باسک در جریان حکومت فرانکوی دیکتاتور و همچنین مهاجرت هزاران کارگر بیکار کاستیلی زبان از جنوب اسپانیا باعث تغییر در ساختار تراکم جمعیت در مناطق اقلیت نشین شده است . بطوریکه امروزه در منطقه خود مختار باسک بیش از ۵۰ درصد از جمعیت را غیر باسکی و در کاتالان این میزان بین ۵۰ تا ۶۰ درصد را تشکیل میدهد.

از طرف حکومت فرانکو فقط به کارگرانی اجازه مهاجرت داده میشده است که فقط به زبان کاستیلی صحبت کرده و این زبان را به عنوان زبان رسمی استفاده میکردند. مسلما خواننده محترم واقف است که چنین حرکتیهای مذبحخانه هم دقیقا از جانب حکومتهای سابق و فعلی بعمل آمده و میآید. برای مثال اسکان دادن هزاران زابلی از جنوب ایران به منطقه ترکمن صحرا و با دادن پستهای حساس دولتی در شهرها و روستاهای ترکمن نشین تا بدین طریق نقش سرکوبگرانه و دژخیمانه خود را بهتر عمل نمایند.

بزرگترین تحول زبانی برای اقلیتهای با آمدن دموکراسی در اسپانیا آغاز میشود. ملی گرایان اسپانیا که سالها و کرارا تبصره ۲ قانون اساسی اسپانیا را مورد انتقاد قرار میدادند، بعد از روی کار آمدن خوان کارلوس توانستند آنرا به شکل مورد نظر خود تغییر دهند.

تبصره ۲ چنین میگوید:

زبان کاستیلی ، زبان رسمی و دولتی کشور اسپانیا می باشد. در مناطق خودمختار، زبان محلی با در نظر گرفتن اوضاع منطقه می تواند زبان رسمی آن منطقه باشد.

در ادامه تبصره ۲ همچنین میآید: فزونی زبانهای مختلف در اسپانیا یک میراث فرهنگی است که باید محترم شمرده شده و حمایت شود.

منطقه خودمختار کاتالان تبصره ۲ قانون اساسی را کمی تغییر داده و چنین می نویسد: زبان مردم کاتالان ، کاتالانی است . بنابر این کاتالانی زبان رسمی منطقه کاتالان است . همچنین زبان کاستیلی زبان رسمی همه استانهای اسپانیا میباشد.

حکومت محلی کاتالان استفاده روزمره و اداری هر دو زبان را تضمین میکند و اقدامات لازم را مبذول میدارد تا هر دو زبان ارزش خود را نگه دارد و سعی می کند شرایطی را ایجاد کند که هر دو زبان از حق مساوی برای شهروندان کاتالانی داشته باشد.

جا دارد اینجا به قانون اساسی کشور ایران نظری بیاندازیم :

فصل دوم ، اصل پانزدهم :

زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است . اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس ، در کنار زبان فارسی آزاد است .

## در اندر زوایای ...

فصل سوم ، اصل نوزدهم :

مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ ، نژاد ، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود .

آنچه که کشور ما را از کشور اسپانیا متمایز میکند مسئله دموکراسی و اجرای قانون اساسی است که هنوز در کشور اتفاق نیافتاده و نخواهد افتاد تا مادامیکه آخوندها بر منبر صدارت هستند .

فایشستان اسپانیایی با وجود گذشت ۴۰ سال موفق نشدند زبان کاتالانی ، باسکی و ... را به کناری زده و نابود کنند . محاسبات فرانکوی دیکتاتور در نابودی زبانهای محلی دست بر آب شده است . این میتواند درس عبرتی برای همه دیکتاتوران تاریخ از جمله آخوندها باشد که هیچوقت نمی توانند زبان قومی را نابود و یا به بازیچه بگیرند . ( زهی خیال باطل )

نمایندگان جنبش زبان کاتالان با برگزاری کنفرانس جهانی زبان در بارسلون اسپانیا ۱۹۹۶ سیاست خارجی خود را به بالاترین سطح خود آورده اند و با تائید برخی مواد و تبصره که با حضور و رای گیری اکثریت آرا شرکت کننده در کنفرانس که از کشورهای مختلفی بوده اند به تصویب رسانده و به کار خود پایان داده اند . متأسفانه از جانب ما (ترکمنها) هیچگونه نماینده ای در این کنفرانس حضور نداشته است . برای کنفرانس جهانی بعدی باید فکری اساسی در این مورد اتخاذ شود ، در اینجا با برخی موارد تصویب شده آشنا میشویم :

تبصره ۳ : در مورد حق عمومی زبان در کنفرانس بارسلون چنین آمده است :

- حق به رسمیت شناختن متعلقین به یک گروه زبانی

- حق صحبت کردن به زبان مادری در انظار عمومی

- حق داشتن نام و نام خانوادگی به زبان مادری

- حق فعالیت در چارچوب مسائل فرهنگی و ملی بصورت محلی ، منطقه ای و بین المللی .

- حق توسعه فرهنگ و حراست آن .

بعلاوه همه حقوقی که قبلا در معاهده بین المللی زبان در باره حقوق سیاسی و حقوق شهروندی ۱۹۶۶ ، ۱۲ ، ۱۶ و هر آنچه که در کنوانسیون حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی آمده است نیز اعتبار داشته و هنوز به قوت خود باقی میباشد .

بعلاوه حقوق فردی و اجتماعی به متعلقین یک گروه زبانی تضمین میکند

- تدریس زبان مادری و دسترسی به منابع فرهنگی .

- استفاده از زبان مادری در رسانه های گروهی و در خدمات عمومی و در حیطه اقتصادی .

در بین دعوت شدگان به کنفرانس آقای F. Mayor Zaragoza دبیر کل سازمان

یونسکو نیز حضور بهم داشته و طی سخنرانی توضیح داد که بیانیه بارسلون را در مجمع عمومی سازمان ملل عنوان خواهد کرد و اضافه نمود که این بیانیه بعنوان کنوانسیون " حق برای زبان مادری " در ضمیمه حقوق بشر پذیرفته شود .

هم اکنون در سازمان یونسکو بخشی ایجاد شده است که در مورد بیانیه بارسلون کار میکند . این بخش همکاری نزدیک و مشترکی با بخش زبان یونسکو unesco-Linguapax-Programm دارد تا در آینده بیانیه مشترک جانشین بیانیه حقوق بشر ۱۹۴۸ شود که سالیان درازی است کم سو و ایزوله شده و احتیاج به اصلاح و تازگی دارد .

ساده ترکمن

ادامه از صفحه ۶

### پاسخ به مطالبات ملی و ...

حقوق انسان در جامعه اندیویدوالیسم نامیده می شود .

اندیویدوالیسم (اصالت فرد) که به دنبال خود لیبرالیسم را به صورت یک مکتب سیاسی و اجتماعی در آورد اکنون بیش از یک قرن است که به عنوان یک دستگاہ اندیشه و یک طرز تفکر نسبتا جامع در اروپا و آمریکا و در بعضی نقاط دیگر جهان به کار بسته میشود .

لازم است قید شود که به دنبال رشد و تکوین ایده های سوسیالیستی (اصالت جمع)

اندیویدوالیسم به شدت مورد تهاجم قرار گرفت و سرانجام بعد از کشمکش طولانی

بین این دو تفکر متخاصم ، تغییراتی در آن صورت پذیرفت و بسان طرفداران سوسیالیسم

که برداشتها و تعبیرات مختلفی از سوسیالیسم و طرز به عمل رساندن آن در

جوامع مختلف داشته اند ، پیروان لیبرالیسم نیز به شاخه های مختلفی تقسیم گردیدند .

در این مورد سعی خواهد شد در شماره بعدی توضیحات بیشتری داده شود .

ادامه دارد ...

گوکی

نمایشنامه

## باتابلینگا باتابلینگ اؤکۆزله ره چاتای لینگ

زمین وسیع ودست نخورده که فقط رد پای از کوسفندان ویک چوپان در آن دیده می شود. هوا دم دمای غروب است و خورشید به وقت خداحافظی. آلاچیقی در دل دشت برجاست و دورتر از آن کله ای کوسفند در داخل پرچین در خواب. داخل آلاچیق خانواده ای مرکب از دو زن ویک مرد مشغول صرف شام می باشند. شام عبارت است از گوشت و سیب زمینی، (قورمه). آلاچیق زیبا و آراسته که نشان دهنده ذوق کدبانوی باسلیقه خود می باشد. پدر، مادر و دختر آرام آرام مشغول غذا خوردن می باشند.

لحظه خدا حافظی

مادر : حالا کی بر می گردی؟

پدر : بلافاصله اگر راه بیتم پس فردا غروب دوباره پیش شما خواهم بود.

مادر : به امید خدا

پدر : نگران هیچ چیز نباشید، دشت آرام است و هیچ خطری متوجه شما نیست. من فقط دو شب شما را تنها می گذارم.

مادر : به خودت ناراحتی راه نده ، من بزرگ شده صحرا وکوه ام.

پدر : می دانم. خدا در شما زن ها قدرت ۴۰ اسب را به ودیعه گذاشته است.

دختر : پدر جان عمه کۆزل را هم خواهی دید؟

پدر : نمانم دخترم. راه او بسیار دور است. اگر شوهرش قبول زحمت کرده و همت به خرج دهد و او را همراهی نماید،

شاید او هم بتواند قوم خویش خود را ببیند.

دختر : من چهار سال است که او را ندیده ام.

مادر : آری دل من نیز برایش خیلی تنگ شده است. آخرین بار که او را دیدم صورتش پوشانیده و سوار بر کجاوه بود و

راهی خانه بخت. چقدر زمان زود می گذرد، اکنون چهار سال از می گذرد و من فقط شنیده ام که صاحب دختری شده

است.

پدر : آی سلطان کوچولو حالا دیگه باید دختر قشنگی شده باشه.

مادر : آری ، باران دفاانگی بیلدگ له مه لی ، دختر که عروس شد متعلق به خانواده شوهر است. او باید بکوشد تا به

خانواده شوهرش مفید باشد.

دختر : پدر جان اگر عمه کۆزل آمده بود او را با خودت چند روزی به اینجا بیاور تا ما هم از نزدیک ببینمش و از

دیدنش سیر شویم هر چند دیدارن دویماق بیوق .

پدر : سعی خود را خواهم نمود.

مادر : گوزل می تواند در فراهم نمودن جهیزیه دخترم نیز کمک نماید.

پدر : ببینیم تا خدا چی میخواد.

صرف غذا تمام می شود و پدر مشغول خواندن دعا می شود، بعد از ختم دعا همه آمین می گویند ( تمام دعا با تشریفات

باید خوانده شود) و مادر همراه دخترش شروع به جمع نمودن سفره می کنند.

پدر بلند می شود و خورجینش را کنترل می نماید تا مبادا چیزی جا گذاشته باشد.

مادر : غذایت را حتما بخور ی ها، برای زود رسیدن هم زیاد عجله نکن. انشالله سلامت برسی.

پدر : مواظب خودم هستم.

مادر : به پدرشوهر، مادر شوهرم و خواهر شوهرها و برادر شوهرهایم و به پدر و مادر و برادرهایم و همه اهل ایل سلام برسان

و از طرف ما نیز به پدر شوهرم جشن (آق آش) را تبریک بگویند.

پدر دیگر عازم است. دختر هراسان از جایش بلند می شود و نگاه معنی داری به پدر می اندازد.

دختر : پدر جان به همه سلام برسان ، انشالله سلامت برگردی.

مادر نیز برخاسته و پشت سر آن دو به در آلاچیق نزدیک می شود و آن دو در چارچوب در به بدرقه عزیز خود می

ایستند.

پدر : خدا حافظ عزیزان من، خدا نگهدارتان باشد.

مادر : یولینگ آق بولسن، یولدایشینگ حق بولسن.

پدر سوار بر اسب در دل تاریکی ها ناپدید می شود.

مادر و دختر هر یک در گوشه ای از آلاچیق می نشینند و آلاچیق در سکوتی کامل فرو میرود.

دختر توی بقچه ای را که پر از تکه های پارچه است زیر رو می کند، به نظر می آید که دنبال پارچه ای خاص است، آن

را می یابد.

دختر : دور دوزیش تمام شده است. اگر بنشینیم و تمام سعی خودم را بکنم " چویچه بورن " ش را نیز تمام خواهم کرد.

مادر : مبارک باشه دخترم.

دختر لبخند رضایت آمیزی به مادرش می زند.

مادر : دلبندم! بقچه ات نیز دارد کم کم پر می شود. " بزرگ " پدر شوهرت نیز امشب تمام می شود، آنوقت می ماند فقط

۱۲ عدد شلوار زنان فامیل آقا داماد که باید " چه کم " آن دوخته شود، آن هم کار زیادی نمی برد.

دختر : مادر جان همه کارها رو دوش شما است.

مادر : فردا بعد از بردن کوسفندان به دشت ، مشغول دوختن آن ها خواهم شد.

دختر : اگر عمه گوزل بیاید کمک خوبی برایمان می شود ، حالا دیگه چیزی به عروسی نمانده، فقط دو ماه وقت داریم.

مادر : دختر جان این قدر نگران نباش، ده روز قبل از عروسی ما به ایل می رویم ، آنجا همه فامیل کمک دست ما خواهند بود. همه کارها به خوبی پیش خواهند رفت. تا کنون عمه هایت باید بیشتر کارها را انجام داده باشند. همه منتظر

عروسی تو هستند. اولین فرزند " بگ مراد " می خواهد عروس شود. پدرت به شما خوشحالی اش را زیاد بروز نمی دهد،

وگرنه برای پدر عروس شدن در پوست خود نمی کنجد. رسم این است، پدرت نیز هم وغم عروسی و مراسم آن را دارد

و برای آن روز روز شماری می کند ولی به زبان نمی آورد.

دختر : می دانم مادر جان ، می دانم.

سکوت آلاچیق را فرا می گیرد. دختر مشغول دوختن میشود و مادر نیز در گوشه دیگر مشغول تا کردن تعدادی لباس است.

چند لحظه می گذرد.

مادر : دخترم خسته ای بکیر بخواب !

دختر : نه مادر جان زیاد خسته نیستم ، می خواهم همه وسایلم حاضر شود و چیزی از قلم نيفتند.

مادر : ای شیطان، دختران هر چقدر هم از خانه پدر جهیز ببرند باز هم به نظرشان کم می آید. قدیمی ها می گفتند و چقدر راست و به جا گفته اند که " ستر نقما ستر ، سنسما غاب " غصه نخور چیزی از دختران دیگر کم نخواهی داشت. طبق رسم ایل عمل خواهیم کرد تا مایه سربلندی تو نزد فامیل شوهرت باشد.

دختر سرش را پایین می اندازد و کوبی خجالت زده شده است و همچنان مشغول دوختن است.

بعد از چند لحظه :

دختر : کمی دل شوره دارم که چه می شود و چه نمی شود.

مادر : دلبندم چیزی نمی شود. تو اولین عروس دنیا نیستی، تا بوده این چنین بوده ، از اجدادمان به ما رسیده است. و همه چیز به خوبی و خوشی خواهد گذشت.

دختر : مادر شما بکیرید بخواید، من می خواهم کمی دیگر بدوزم. شما صبح زود هم باید به دشت بروید. من هنوز خوابم نمی آید، شما بخواید.

مادر : باشد، ولی تو هم نباید تا دیر وقت بیدار باشی. بهتره که سر وقت بخوابی تا فردا سرحال باشی.

مادر بلند می شود و مشغول انداختن رختخواب می گردد. سپس در جای خود آرام دراز می کشد . کم کم خواب او را فرا می گیرد.

دختر همچنان مشغول دوختن است ، از دشت صدای خاصی به گوش نمی رسد. بعد از مدت کوتاهی صداهایی کور و کنگک به گوش می رسد . دختر سرش را بالا می برد و به اطراف می چرخاند، گونی صدایی او را به خود می آورد. نزدیک مادر می رود و آرام او را از خواب بیدار میکند.

دختر : مادر صداهایی می شنوم.

مادر : آرام باش عزیزم! چیزی نیست دشت آرام است شاید به نظرت رسیده و یا شاید خیالاتی شدی.

دختر : نه مادر جان من مطمئن هستم، صداها زیاد دور نیستند.

مادر : تترس عزیزم!

مادر کاملاً از خواب بیدار شده و می نشیند. اکنون صداها به گوش مادر نیز شنیده می شود و او نیز کمی دست پاچه می شود. ولی فوراً خود را جمع جور می کند و شاید می خواهد دخترش را نکران نماید. لحظه ای سکوتی سنگین حکمفرما می شود.

مادر آرام آرام به طرف زرهای کنار آلاچیق می رود و نند را کمی کنار می زند و به بیرون نگاه می کند. لحظه ای خیره می ماند بعد بر می گردد و زل زل به دخترش می نکرد.

دختر : مادر شاید جانوری باشد، در این ایام آنها معمولاً به این طرف ها می آیند تا شاید طعمه ای بیابند.

مادر : نه عزیزم ، جانور نیست.

دختر : پس چه می تواند باشد؟

مادر : ترس عزیزم، جانور نیست بلکه دزد هستند.

دختر : چند نفرن مادر ، ما فقط دو نفر زن هستیم کاری از دست مان بر نیاد.

مادر : دلبندم ما هر کدام می توانیم حریف چهل مرد بشویم، مگر نشنیده ای که می گویند زن های ترکمن هر کدام به تنهایی قدرت چهل اسب را دارند. ولی صبر بکن بینم که آنها چند نفرند.

دوباره بر میگردد منتهی این بار خیلی دقیقتر. دختر سراسیمه و پشت سر هم از از مادرش سنوال می کند و حرف می زند.

دختر : چکار کنیم مادر؟ ما چه کاری می توانیم انجام دهیم؟ تو را به خدا بگو چند نفرند؟ من می ترسم مادر جان. شما نمی ترسی؟ چکار کنیم حالا؟

مادر : هشت نفرند، از سیاهی های آنها معلوم است. و اما ما دو نفر.

دختر : خدا ما را حفظ کند.

مادر : اکنون باید شجاع باشیم و از نیروی عقل خود استفاده نمایم، جای هیچ ترسی نیست، " غورقان اولیبیدیر " . ما

باید از گوسفندان مان دفاع کنیم چرا که پدرت به ما اطمینان کرد.

بعد لحظه ای آرام می ایستد و به اطراف می چرخد، به نظر می رسد فکری در سرش است. رو به دخترش می کند و آرام می گوید

مادر : دخترم بلند بلند با من تکرار بکن و ترس.

مادر : یاتایلینکا یاتایلینک ، اوکوزله ره چاتایلینک ، اوغری سه کیز بیز دو قوز ، پایا بیرینی توته یلینک.

این بار دختر نیز مادرش را با صدای بلند همراهی میکند و هر دو شروع به خواندن می کنند.

مادر و دختر : یاتایلینکا یاتایلینک ، اوکوزله ره چاتایلینک ، اوغری سه کیز بیز دو قوز پایا بیرینی توته یلینک.

سیاهی های بیرون از آلاچیق شروع به عقب گرد می نمایند و آرام آرام از داخل صحنه بیرون می روند و صحنه را ترک می کنند.

## حزب ملی ترکمن ها

در اکثر کشورهایی که ترکمن ها زندگی میکنند، انجمن های فرهنگی تشکیل یافته و نیروهای ترکمن در آن فعالند و به مناسبت های مختلف مراسم و فعالیت های فرهنگی انجام میدهند. فعالیت های سیاسی نیز در میان ترکمن های خارج در مرحله جدید آغاز گشته و اینبار با تجربه سالهای مهاجرت. آیا تمام اینها پاسخگوی خلا سیاسی و عدم وجود يك جریان مستقل ملی - ترکمنی را می دهد؟

و آیا تشکیل چنین حزبی زمینه ای عینی دارد و یا اینهم دچار سرنوشت برخی فعالیت ها و نشریات ترکمنی خواهد شد که در مهاجرت بوجود آمد و پس از چند صباحی دست از فعالیت کشیدند؟

حتی پاسخ این پرسشها اگر منفی هم باشد و ما به آن با بدبینی نظر بیافکنیم، زیربنای فکری این امر کاملاً درست است. ترکمن ها فقط هنگامی در عرصه سیاسی و اجتماعی ایران مطرح خواهند بود که در میان احزاب و گروههای سیاسی مختلف سراسری ایران فعال بوده و حزبی را تشکیل دهند که با ویژگی ترکمنی دست به فعالیت بزند. ویژگی ترکمنی به این معنا که جریانی مستقل از احزاب سرتاسری که بیانگر خواست ها، احساسات، تفکرات و هویت ترکمن ها باشد. تشکیل چنین حزبی روزی امکانپذیر خواهد بود که ما به نیروهای خود باور داشته باشیم.

برای تشکیل آن بیش از هر چیز نیاز به افراد زبده، با تجربه، دلسوز و صادق و قبل از هر چیز نیاز به افراد واقعگرا هست.

صحیحترین راه رسیدن به این هدف طی کردن پروسه تشکیل يك حزب ملی است. این بدان معناست که نهال يك حزب را کاشت و بارور کرد. این نهال بایستی در گذر زمان با ناملایمات دوره و زمانه دست و پنجه نرم کند و نشان دهد که بیدی نیست با باد زمانه به خود بلرزد و یا از ریشه کنده شود.

فعال شدن نیروهای سیاسی ترکمن در خارج از کشور و همیاری آنها در این پروسه قدمی مهم است. برای ترکمن های ایران داشتن يك حزب ملی با هویت ترکمنی نوعی اعلام موجودیت در حیات سیاسی ایران است.

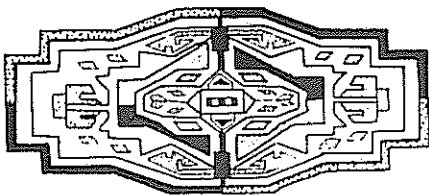
فعالیت چنین شکل و یا سازمان می تواند در آغاز محدود باشد و فقط به سیاسی کردن و فعالیت کردن جامعه ترکمن های خارج کمک کند. این حزب باید بدون داشتن اهداف بلند پروازانه و بدون دادن شعارهای مهیج و بدون ادعای رهبری جنبش ترکمنی در داخل کشور و بالاخره بدون داشتن هیچگونه ادعای غیر واقعی دست به فعالیت بزند و نقطه نظرهای ترکمن ها را در امور سیاسی و اتفاقاتی که در صحنه سیاسی ایران و یا جهان رخ می دهد بیان و تحلیل کند. این حزب می تواند با احزاب اقلیت های ملی ساکن ایران و یا با احزاب سرتاسری ایرانی همکاری کند و خود را بخشی از اپوزسیون خارج از کشور بداند و در آکسیون های مختلف با احزاب مختلف همکاری کند. این حزب می تواند خواست های ترکمن ها را در مجامع بین المللی مطرح کند و از این طریق جمهوری اسلامی را برای مراعات حقوق اقلیت های ملی و مذهبی تحت فشار قرار دهد.

و از طرفی هم مسئله ملی را در میان اپوزسیون طرح کند و نظر نیروهای دموکراسی را به این امر جلب کند که دموکراسی در ایران بدون رعایت حقوق اقلیت های ملی امکانپذیر نیست. رسیدن به تمدن بزرگ، رسیدن به يك جامعه مدنی و یا رسیدن به هر نوع سیستم حکومتی عادلانه در ایران تحت هر جریان سیاسی یا فکری و یا ایدئولوژی بدون رعایت حقوق اقلیت ها امکانپذیر نیست.

حزب ملی ترکمن بدون داشتن کرایشات ناسیونالیستی و بدون ترس از انگ تجزیه طلبی می تواند در میان اپوزسیون و یا حتی در میان جناح های حاکم مسئله رعایت حقوق اقلیت ها را مطرح کند.

چاپ اعلامیه ها، بیانیه های این شکل می تواند با استفاده از مطبوعات داخل و خارج از کشور و همچنین رسانه های گروهی کشورهای اروپایی و مخصوصاً در شبکه اینترنت انجام گیرد. به رسمیت شناساندن این جریان در میان ارکان های بین المللی به عنوان اهرم سیاسی ترکمن های خارج از کشور برای بیان ندای حقوق پایمال شده ترکمن ها باید در گام نخست انجام گیرد.

### طاهیر



ساری گل (ترکمن) گل زرد

sarı gül 56. XXXVIII-2 sary gül

# اخبار ترکمنصحرا

این منطقه بکشاند. و بیش از ده درصد درآمد ارزی ایران در زمینه توریسم از منطقه ترکمنصحراست. بنا به گفته معزالدین در استان گلستان به دلیل ویژگی های طبیعی، قومی و فرهنگی، میراث فرهنگی به جا مانده، موقعیت استراتژیک منطقه و قرار گرفتن در مسیر تهران مشهد بایستی فرصت های شغلی از این طریق فراهم گردد. در سال گذشته بیش از یک میلیون نفر جهانگرد از ایران دیدار کردند که در مقایسه با سال ۷۶ بیش از ۲۲ درصد رشد داشته است. تا سال دو هزار درآمد جهانی از محل صنعت توریسم به هزار میلیارد خواهد رسید.

## فعالیت های باندهای قاچاق در شمال ایران

بنا به گزارش مطبوعات محلی در طی دو ماه ۲۱ باند تهیه و توزیع مواد مخدر در مازندران و گلستان از هم پاشیدند. مرتضی طلانی که درجه سردار سرتیپ دومی را دارد و فرمانده ناحیه انتظامی شمال ایران است می گوید: در این رابطه هزاران نفر دستگیر شدند که ۸۸۱ نفر از عوامل توزیع کننده و دو هزار و ۲۲۷ نفر معتاد بودند. از قاچاقچیان ۵۲ دستگاه انواع خودرو، ۲۴ دستگاه موتور سیکلت و هشت قبضه سلاح جنگی و شکاری بدست آمده است. در میان قاچاقچیان دستگیر شده بنا به ادعای فرمانده ناحیه انتظامی شمال ۵۸ نفر زن هستند. جالب توجه است که از اول سال تاکنون در استان خراسان بیش از ۲۲ تن مواد مخدر کشف شده است.

یکی از سیاست های دولت ایران جلب توریست های کشورهای عرب از جمله عربستان است. در این خصوص قرار است پروازهای مستقیم از کشورهای حاشیه خلیج و عربستان به شهرهای تهران، مشهد و اصفهان و شیراز دایر گردد. این امر بیشتر به دلیل توجه توریست های عرب به موازین اسلامی است. بنا به گفته محمد معزالدین رییس سازمان ایرانگردی و جهانگردی در سفر به کرکان و ترکمنصحرا درآمد ایران از طریق جهانگردی را ۴۰۰ میلیون دلار اعلام کرد. بنا به گفته رییس سازمان ایرانگردی و جهانگردی امسال ۴۲ هزار جهانگرد از مرز پل اینچه برون در ترکمنصحرا وارد استان گلستان شدند که این میزان ضمن ۵۰۰ درصد رشد نسبت به سال گذشته ۲۰ میلیون دلار برای کشور ارز آوری داشته است. لغو روادید برای مسافرت اتباع ترکمنستان به ایران باعث شده است که ترکمن ها از ترکمنصحرا بازدید کنند و با توجه به قرار گرفتن بسیاری از مناطق تاریخی ترکمن ها از جمله: آرامگاه قابوس ابن وشمگیر در گنبد و آرامگاه شاعر بزرگ و علی خلق ترکمن مختموقلی پراغی و طبیعت زیبای ترکمنصحرا از جمله تالاب های بین المللی آلا کول، آلا کول و آجی کول و همچنین سواحل خزر و وجود بازارهای پنجشنبه در آق قلا و "دوشنبه" در بندر ترکمن و صنعت قالی بافی باعث شده است نظر توریست ها را به ترکمنصحرا جلب کند.

رییس سازمان ایرانگردی و جهانگردی در بازدید از ترکمنصحرا می گوید: "وجود قوم ترکمن با فرهنگ خاص خود می تواند به یک قطب جهانگردی در ایران تبدیل شود."

## افزایش توریسم در ترکمنصحرا به میزان ۵۰۰ درصد

صنعت جهانگردی در دنیا به عنوان صادرات نامرئی شهرت یافته و یکی از منابع درآمد کشورهای است. در ایران بخاطر سیاست های ناشی از حاکمیت تنوکراتیک و محدودیت های زیاد، علیرغم کشایش درها بر روی توریست ها و همچنین قائل شدن تسهیلات قانونی از جمله تبدیل ارز توریست های خارجی به نرخ بازار آزاد و یا قائل شدن تسهیلات دولتی، این صنعت قادر به پیشرفت چندانی نشده است.



## کشایش سالن مسافربری مرزی اینچه برون

سالن ترمینال مرزی اینچه برون واقع در بخش داشلی برون شهرستان گنبد، با حضور رئیس کل کمرك ایران کشایش یافت. سالن یاد شده در زمینی به مساحت ۱۵ هزار و ۱۰۰ متر مربع و با زیر بنای دو هزار و ۲۰۰ متر مربع ساخته شده و برای احداث آن مبلغ دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال هزینه شده است. این ترمینال از اواخر سال ۱۳۷۵ شروع به فعالیت کرده و به عنوان یکی از ۱۴ مبادی ورودی و خروجی زمینی کشور محسوب می شود. این ترمینال تنها مرز زمینی فعال در شمال ایران با کشور ترکمنستان است. در سال گذشته، ۲۲۷ وسیله نقلیه مسافری و ۱۲ هزار و ۶۰۸ وسیله نقلیه باری داخلی و خارجی از این ترمینال تردد کرده اند.

## سیلاب در ترکمنصحرا

بدنبال سرازیر شدن سیل ویرانگر در استانهای مازندران و کیلان، بنا به گزارش ایرنا بر اثر بارندگی شدید در هشتم ماه اوت سیلاب بخشهای زیادی از سطح شهر کرکان را فرا گرفت. بنا به گفته معاونت استانداری گلستان اکثر منازلیکه در حاشیه رودخانه کرکان قرار داشتند دچار آبگرفتگی شدند. سرازیر شدن سیل در کرکان چنان سرعت داشته که بسیاری حتی نتوانستند اسباب و اثاثیه منازل را نتوانستند به نقاط امن انتقال دهند. سیل

مردم را غافلگیر کرده و حتی مسافرینی که به دلیل نبود هتل یا مسافرخانه در میادین و خیابان های مرکز گلستان در حال استراحت بودند به کمک مردم آمدند. در گزارش ایرنا اشاره ای به وقوع و یا احیاناً خسارات جانی و یا مالی در دیگر نقاط از جمله ترکمنصحرا نشده بود.

## ایران نقض حقوق اقلیت های دینی را تکذیب میکند

دولت جمهوری اسلامی ایران بویژه پس از دستگیری ۱۲ یهودی به جرم جاسوسی به شغ اسراییل تحت فشار محافل بین المللی قرار گرفت و از طرف مجامع بین المللی به نقض حقوق اقلیت های دینی در ایران محکوم شد. جمهوری اسلامی برای خنثی کردن فشار افکار عمومی جهان توسل به ترفندهایی از جمله مصاحبه با صادر یکی از این محبوسین می شود و از قول مادر یکی از این یهودیان تایید می شود که جمهوری اسلامی حقوق اقلیت ها را رعایت میکند. مسئولان قضایی ایران نیز در پی جلسات متبادی نقض حقوق اقلیت های مذهبی را تکذیب کردند. محمد رضا عباسی سخنگوی قوه قضائیه ایران ادعای نقض حقوق بشر را غرض ورزی دانسته و می گوید: در قانون اساسی ایران حقوق مرد و زن و همه اقشار از جمله اقلیت های دینی بنحو مطلوب پیش بینی و بیان شده است.

## افتتاح سیمای گلستان در کرکان

با افتتاح سیمای گلستان تلویزیون محلی استان گلستان، ۹۵ درصد نقاط روستایی و تمامی شهرها و بخش های استان گلستان و ترکمنصحرا زیر سطح سیمای قرار گرفت. با کشایش سیمای گلستان ۲ فرستنده اف ام: ورزش، فرهنگ و معارف به رادیوهای جوان و پیام استان گلستان افزوده شدند. در استان گلستان که تازه تاسیس شده و اکثریت اهالی آن را ترکمن ها تشکیل میدهند. تاکنون برنامه مناسب ترکمنی بوجود نیامده و همچون برنامه ترکمنی زمان شاه با کاستی های فراوان به کار و فعالیت خود ادامه می دهد.

دکتر علی اکبر سیاری معاون وزارت بهداشت جمهوری اسلامی ایران :

هم اکنون رشد جمعیت کشور ۱.۴ است ولی پیش بینی میشود که بخاطر جمعیت کثیر نوجوانان و جوانان با رشد ناگهانی جمعیت روبرو شویم. هم اکنون یک سوم مواد غذایی از خارج به کشور وارد می شود. ۱۶ درصد کودکان زیر ۵ سال سوء تغذیه دارند. ۸۰ درصد کودکان کشور وزنشان زیر حدنصاب است و ۵ درصد مادران دچار فقر آهن هستند. در زمینه آموزش ۲۰ درصد روستاییان بی سواد هستند. درآمد سرانه کشور از ۸۰۰ دلار در سال ۱۳۵۲ به ۱۵۰ دلار کاهش یافته است.

## حوزه

# دریای خزر

## تکذیب خبر دفن زباله های اتمی از سوی باکو

بدنبال خبر شایعه دفن يك کاتینر مواد رادیوآکتیو در بستر دریای خزر از طرف باکو در مقابل دریافت ۲۶۰ هزار دلار، وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان با ارسال یادداشتی به سفارت ایران در باکو اخبار منتشره در برخی از مطبوعات این کشور را تکذیب کرد.

روزنامه های یینی مساوات و اکسپرس چاپ باکو اخیراً اعلام کرده بودند که دولت باکو با دریافت مبلغی از شرکت های خارجی با دفن ذباله های اتمی در دریای خزر موافقت کرده است.

## در یکماه ۷۰ نفر در شمال ایران غرق شدند

بنا به ادعای فرمانده ناحیه انتظامی مازندران و گلستان سرتیپ مرتضی طلانی در یکماه بیش از هفتاد نفر در رودخانه ها و دریای

خزر غرق شدند. این عده بنا به گفته او به دلیل عدم آشنایی به فن شنا و استفاده از سواحل خارج از طرح سالم سازی دریا جان باختند.

## مبارزه برای حفظ محیط زیست شهرهای شمالی

دریای خزر بزرگترین دریاچه آلوده جهان است. ساکنین شهرهای ساحلی هم اکنون دست به ایجاد تشکل های دفاع از محیط زیست زده اند و با تجمع و راهپیمایی اعتراضات خود را نشان می دهند.

"دوستداران طبیعت" با راهپیمایی و تجمع در مقابل رودخانه زرجوب رشت خواستار راه حل عاجلی برای حل آلودگی این رودخانه شدند. رودخانه زرجوب با ۵۵ کیلومتر طول از دامنه های البرز سرچشمه می گیرد و به گفته کارشناسان پس از عبور از شهر رشت با از دست دادن تمامی خصیصه های حیات و زندگی در سکوتی مطلق از طریق تالاب انزلی به دریای خزر می ریزد. بستر این رودخانه هم اکنون تبدیل به کانال کذر فاضلاب ها و زباله های مردم رشت و حومه شده است. ایران مدعی است که بیشترین آلودگی خزر از طریق کشورهای دیگر از جمله آذربایجان و روسیه انجام می گیرد. چونکه فقط بیش از ۵ درصد آب دریای خزر فقط از طریق رودخانه های ایران تامین می شود و بیش از ۹۵ درصد بقیه آب این دریا از طریق رودخانه های ولگا، اورال، کورا و اترک وارد دریای خزر می شود.

بیشتر از این نیز "جبهه سبز ایران" در اطلاعیه ای مردم سواحل دریای خزر را دعوت به پاکسازی دو روزه کرد. در اطلاعیه جبهه سبز ایران هدف از پاکسازی سواحل خزر، جلب توجه جهانی به اهمیت اکوسیستم دریای خزر عنوان شده است. در این برنامه قرار است اهالی مردم شمال از آستارا تا بندر ترکمن سواحل را از انبوه زباله ها پاکسازی کنند.

## فاصله مصرف سرانه ماهی ایران با دنیا ۱۱ کیلوگرم اعلام شد

مسئول شرکت سهامی شیلات ایران گفت، فاصله مصرف سرانه ماهی ایران با دنیا ۱۱ کیلو گرم است. مصرف سرانه ماهی در ایران بنا به گفته این مقام شیلات ایران پنج و نیم کیلو گرم است در حالیکه این میزان در دنیا ۱۶ کیلو گرم می باشد. ایران با برخورداری از دریای خزر و پرورش ماهی توان از بین بردن این فاصله را داراست. ولی سیاست غلط جمهوری اسلامی و صدور بیش از نیمی از تولیدات آبزیان و نیاز میرم ایران به ارز خارجی باعث شده است که بجای مصرف داخلی گوشت سفید به خارج صادر شود. ارزش يك کیلوگرم میگو معادل يك بشکه نفت است. در حال حاضر میزان صید و تولید آبزیان در ایران سالانه ۲۲۲ هزار تن است که از این رقم ۲۶۰ هزار تن از آب های جنوب، ۹۷ هزار تن از آب های شمال و ۶۵ هزار تن در آب های داخلی تولید میشود.

# اخبار آسیای میانه

## دستگیری ۶۰ روحانی در قزاقستان

۶۰ روحانی در قزاقستان در استان جامبول دستگیر شدند. روحانیون کشورهای قرقیزستان و ازبکستان نیز در بین دستگیر شدگان هستند. مقامات قرقیزی و مفتی اداره مسلمانان قرقیزستان خواستار آزادی روحانیون قرقیزی شدند. روحانیان در آسیای میانه بویژه پس از انفجار بسبب های ۱۶ فوریه تاشکند که منجر به کشته و مجروح شدن بیش از ۱۰۰ نفر شده بود تحت فشار قرار گرفتند.

## برقراری روابط بین ترکمنستان و آذربایجان

برای اولین بار جمهوریهای آذربایجان و ترکمنستان تفاهنامه ای مبنی بر برقراری روابط برای تردد اتباع خود به اعضا رساندند. بر اساس این قرارداد آذری ها و ترکمنها برای رفت و آمد ناکزیر به اخذ روابط خواهند بود.

## قرقیزستان از حق رای در سازمان ملل محروم شد

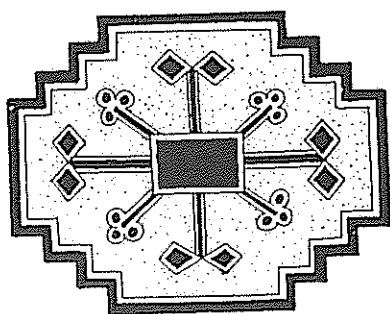
قرقیزستان به دلیل عدم پرداخت حق عضویت به سازمان ملل متحد از داشتن حق رای محروم شد. نماینده دائم قرقیزستان در سازمان ملل در بیشکک ضمن تایید این مطلب بدهی این کشور به سازمان ملل را ۵۰۰ هزار دلار اعلام کرد. به اعتقاد نماینده قرقیزستان دولت باید هر چه زودتر این مبلغ را بپردازد زیرا کشورهای کوچکی چون قرقیزستان تنها از طریق حضور در سازمان ملل می توانند افکار و درخواست های خود را ارائه و از مواضع خود دفاع کنند.

## ارتش روسیه آسیای میانه را ترک می کند.

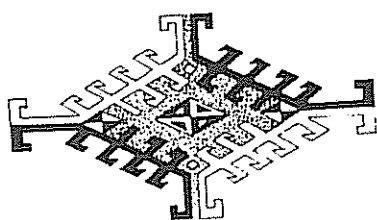
نیروهای مرزبانی روسیه با سپردن حفاظت مرزهای قرقیزستان با چین به مرزبانان قرقیزی عملیات بازگشت خود از این کشور را آغاز کردند. با خروج مرزبانان روس حفاظت ۸۰۰ کیلومتر مرز مشترک قرقیزستان با کشور چین را نیروهای مرزبانی قرقیز به عهده خواهند گرفت. نیروهای ارتش روسیه و مرزبانان آن هنوز در ترکمنستان حضور دارند و کنترل مرزهای مشترک ترکمنستان و ایران را به عهده دارند.

## بیش از چهار هزار شرکت خارجی در جمهوری آذربایجان فعالیت می کنند.

یک مقام وزارت دادگستری جمهوری آذربایجان گفت، فعالیت چهار هزار شرکت و موسسه خارجی در آذربایجان به ثبت رسیده است. ۱۲۰۰ شرکت مربوط به کشور ترکیه، ۲۰۰ شرکت مربوط به کشور انگلیس، ۲۰۰ شرکت از روسیه و ۲۰۰ شرکت نیز مربوط به کشور آمریکا هستند. به گفته این مقام دادگستری بقیه شرکت ها ی خارجی فعال در جمهوری آذربایجان مربوط به سایر کشورهاست. در سال ۱۹۹۸ آغاز فعالیت ۶۸۰ شرکت خارجی در این کشور به ثبت رسیده است. لازم به یادآوری است که در سال ۱۹۹۲ تنها ۱۰ شرکت خارجی در این کشور فعالیت میکرد.



گولنی گل (ترکمن) گل، ترنج، گل، گلدار  
gullni gol 34.LXXVII-3 gulli gol



دردن گل (تسوت) زنبیلی  
dernaq gol 21.IX-2 dymak col

## تبدیل جاده ابریشم به جاده

هروئین

توسعه قاچاق مواد مخدر در آسیای میانه موجب شده تا از جاده ابریشم به عنوان جاده بزرگ هروئین استفاده شود.

بای میرزایف معاون ستاد مبارزه با مواد مخدر قزاقستان در مصاحبه ای با روزنامه اکسپرس چاپ قزاقستان می گوید، در سال ۱۹۹۸ از ۱۸ هزار قاچاقچی مواد مخدر بیش از ۱۶ تن مواد کشف شد که ۲۰ درصد بیشتر از مدت مشابه سال ۱۹۹۷ است.

وی می گوید، مرزهای باز موجب سرازیر شدن هروئین از پاکستان و افغانستان به کشور شده است. بنا به گفته این مقام قزاق سحرای "چوی" در استان جامبول قزاقستان نیز یکی از بزرگترین منابع تولید حشیش است بطوری که سالانه ۱۵۰ هزار هکتار شاهدانه کشت و شش هزار تن مواد خام برای تهیه حشیش جمع آوری میشود. وی در این مصاحبه اعلام کرد که تعداد معتادان در پنج ساله اخیر در قزاقستان دو برابر شده است. هم اکنون در قزاقستان ۲۲ هزار نفر معتاد رسماً ثبت شده است، اما آمار واقعی بیش از اینهاست.

## نزدیکی دوباره عشق آباد به

مسکو

قرار است برنامه جدیدی برای گسترش روابط عشق آباد و مسکو طرح شود. در طی دیدار وزیر خارجه روسیه از عشق آباد قرار شد که یک کمیته مشترک دولتی برای تدوین همکاری های آینده تشکیل شود. وزرای خارجه دو طرف دو سند جدید در زمینه همکاری های سیاسی و کنسولی امضاء کردند. بر اساس این پروتکل ها دو کشور در امور مربوط به دریای خزر و رژیم حقوقی آن، آموزش کادر دیپلماتیک ترکمن در مسکو و همچنین ارتباطات امنیتی و فرهنگی همکاری خواهند کرد. ترکمنستان تنها جمهوری است که در میان جمهوری های سابق شوروی به شهروندان روسی مقیم کشورش تابعیت مضاعف داده است.

## نمایش آثار نقاشان ترکمن

ایرانی و فارس در عشق آباد

نمایشگاه آثار نقاشان و خوش نویسان ترکمن ایران و همچنین نقاشان فارس ساکن استان گلستان در عشق آباد برگزار شد. ۱۵۰ اثر نقاشی و خوش نویسی از ۶۰ هنرمند به نمایش درآمده است. ویژگی های طبیعی، آداب و سنن و فرهنگ عمومی دست مایه های آثار نقاشی و اشعار شعرای ترکمن همچون مختومقلی، مسکین قلیچ و ذیلی متون آثار خوشنویسی را تشکیل میداد.

این نمایشگاه بر اساس موافقتنامه فرهنگی دو کشور در جریان سفر نوروزی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عشق آباد برگزار شد.

همچنین قرار است در مهر ماه آینده نمایشگاهی از آثار هنرمندان نقاش ترکمن جمهوری ترکمنستان در استان گلستان بر پا شود.

## ۸۰ درصد از خورشید گرفتگی

قابل رویت بود

خورشید گرفتگی در ترکمنستان از غرب این کشور از ۲۱ درجه جغرافیایی شروع و در جنوب شرقی این کشور پایان یافت. زمان شروع خورشید گرفتگی ساعت ۱۵ و ۲۷ دقیقه در عشق آباد و در ساعت ۱۵ و ۵۷ دقیقه قابل رویت بود.

## دیدار رئیس جمهور قزاقستان از

ایران

بنا به گفته نماینده کشور قزاقستان در مشهد، قرار است نور سلطان نظربایف، رئیس جمهور قزاقستان در پانزده اسفند از ایران دیدار کند. افزایش روابط دو کشور بویژه در زمینه صادرات نفت اهمیت بیشتری یافته است. قابل ذکر است که هر ساله بیش از ۵۰ هزار توریست قزاق از ایران دیدار می کنند.

## دیدار وزیر خارجه ایران از سد "دوستلیق" در مرز ترکمنستان و ایران

کمال خرازی، وزیر امور خارجه ایران از سد در حال ساخت بر روی رودخانه مرزی هرپود در مرز ایران و ترکمنستان بازدید کرد. خرازی در این بازدید بر ضرورت تسریع در ساخت این سد بعنوان طرحی مهم که عمران و آبادی و رفاه برای مرزنشینان منطقه تاکید کرد. کار ساخت سد دوستلیق (دوستی) در سال ۱۹۹۶ همزمان با گشایش راه آهن مشهد-سرخس-تجن آغاز شد. این سد خاکی با طول تاج ۶۲۸ متر و ارتفاع ۷۹ متر می تواند یک میلیارد متر مکعب آب را ذخیره نماید. با بهره برداری از این سد مناطق وسیعی از زمینهای کشاورزی در مرز ایران و ترکمنستان به زیر کشت خواهند رفت.

## نیازاف: رادیو آزادی خانن است

صفر مراد نیازاف در یکی از جلسات هیئت وزیران این کشور، هدف رادیو آزادی (بزبان ترکمنی) را ایجاد زمینه های خرابکاری، اشاعه کارهای حرام و خونیزی در جامعه دانست. نیازاف کرداندگان بخش ترکمنی رادیو آزادی را افرادی مغرض معرفی کرد و گفت، با خونیزی و ویران کردن کشور نمی توان دموکراسی برقرار کرد. برخی از مطبوعات ترکمنستان هم اکنون تبلیغات

وسعی را علیه رادیو آزادی و کارکنان ترکمن این رادیو به راه انداختند. به عنوان مثال هفته نامه "عدالت" چاپ عشق آباد رادیو آزادی را رادیوی جنایتکاران معرفی کرده است. نیازوف در این جلسه نیز کارکنان رادیو آزادی را خانن نامید و گفت، آنها خواهان مقام و پست هستند.

## جشن هفتصدمین سال تاسیس امپراطوری عثمانی

بنا به دعوت سلیمان دمیرل رئیس جمهور ترکیه برای شرکت در جشن های هفتصدمین سال تاسیس امپراطوری عثمانی از رهبران ۶۰ کشور جهان از جمله صدام حسین و معمر قذافی دعوت کرده است. اغلب سران دعوت شده کشورهای هستند که زمانی جزو قلمرو امپراطوری عثمانی بوده و یا تاریخ و فرهنگ مشترک با این امپراطوری داشتند. البته هنوز روشن نیست، که این جشن علیرغم زمین لرزه فاجعه بار ترکیه در ماه سپتامبر جاری برگزار شود.

## دیدار خبرنگاران جمهوری

## آذربایجان با خبرنگاران تبریزی

یک گروه ۲۵ نفره از خبرنگاران جمهوری آذربایجان با خبرنگاران تبریزی دیدار کردند. رییس ایرنا در مرکز آذربایجان شرقی با تشریح فعالیت مطبوعات و دیگر رسانه های گروهی در استان های آذربایجان

ایران گفت، اکنون بیش از ۳۰ نشریه به زبان های آذری و فارسی در این استان ها چاپ می شوند.

## افزایش مبادلات تجاری ایران با ترکمنستان

وزارت تجارت خارجی ترکمنستان، گزارشی را منتشر کرد که نشان می دهد ایران با ۸ درصد در زمینه مبادلات تجاری پس از اوکراین ۲۵ درصد، ترکیه ۱۰ درصد، روسیه ۹ درصد، مقام چهارم را دارد.

صادرات ترکمنستان در پنج ماهه اول سال میلادی بالغ بر ۵۹۹/۷ میلیون دلار و واردات آن در همین مدت ۲۶۲/۷ میلیون دلار بوده است.

صادرات ترکمنستان در این مدت شامل گاز، پنبه، مواد نفتی، نفت خام، انرژی برق، کاغذ و پارچه، واردات شامل ماشین آلات، خودرو، آهن آلات و مواد غذایی بوده است. حجم صادرات ۲/۹ درصد نسبت به مدت مشابه افزایش داشته و در این میان صادرات گاز با ۵۷/۸ در مقام اول قرار دارد. این گزارش میزان واردات ترکمنستان را ۲ درصد اعلام کرده است. در این میان نمایندگی های شرکت های خارجی ۱۷/۲ درصد صادرات و ۱۲/۱ درصد واردات ترکمنستان را برعهده داشته اند.

این گزارش نشان می دهد بیشترین تبادل کالا بصورت پایاپای میان ترکمنستان و کشورهای عضو کشورهای جامعه مشترک المنافع انجام گرفته است.

مطلبی تحت عنوان "چه نباید کرد؟" از آلمان خطاب به نشریه صحرا به آدرس ایل گون رسیده. خواننده عزیز بهتر بود که این نامه تان را به نشریه صحرا ارسال میکردید. ما در اینجا بخشی از مطالب شما را بنا به درخواست شما با نام یکی از خوانندگان صحرا چاپ میکنیم:

### چه نباید کرد ؟

اگر سوال شود چه باید کرد، شاید بتوان پاسخ کاملاً دقیق و روشنی داد. ولی می توان به این سوال اینگونه پاسخ داد که چه نباید کرد؟ با نگرش به گذشته خود و مشاهده اشتباهات گفت که نباید این اشتباه را تکرار کرد و یا این یا آن کار را نباید انجام داد. حرف حساب من هم همین است. اگر توانیم پاسخ درستی به این سوال که درد و بدبختی ما چیست؟ پیدا کنیم، فقط می توانم بگویم که نباید آن کاری را کرد که اشتباه بود. و باید از تکرار آن صرفنظر کرد. با این مقدمه کوتاه می پردازم به اصل مطلبی که قصد دارم توضیح دهم. اکثر روشنفکران ترکمن پس از انقلاب از گروهها و احزاب سرتاسری دنباله روی کردند و چوب شکست آن را هنوز هم میخورند. روشنفکران ترکمن بایستی تاریخ مبارزه بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ را یکبار دیگر بازنگری کنند تا دریابند اشتباهات خود را دوباره تکرار نکنند. دنباله روی از جریانات دیگر و نداشتن استقلال فکری پدیده ای است که باید با آن برخورد شود، چونکه این پدیده همچون يك عارضه اجتماعی در محافل ترکمن چه در خارج از کشور و چه در داخل ریشه تنیده است. متأسفانه هم اکنون ماهنامه صحرا چاپ ترکمنصحرا دچار آن اشتباه شده است.

این نشریه درست همان اشتباهاتی را تکرار می کند که اکثر روشنفکران ترکمن پس از انقلاب دچار آن شده بودند. بجای حمایت از جناحی در حاکمیت و بجای موضعگیری و حمایت از يك جناح باید بیش از پیش از استقلال خود سخن راند. من نمی فهمم چرا این نشریه از خاستی حمایت می کند و علیه گروه فشار قلم فرسایی و انتقاد می کند؟

نشریه صحرا به عنوان يك ماهنامه ترکمن بایستی بیش از هر چیز استقلال خود را نه تنها در مقابل احزاب و گروههای سیاسی داخل ایران حفظ کند، بلکه نباید به هیچ جناحی خود را نزدیک کند. در حالیکه ترکمن های ایران اجازه چاپ نشریه به زبان مادری خود ندارند و هنوز در هیچ زمینه چه فرهنگی، چه اقتصادی و یا اداری امتیازی از جمهوری اسلامی نگرفته اند، چرا ما باید در جنگ و جدال جناح ها شرکت کنیم و بهانه دست آن عده بدهیم که سایه ما را باتیر می زنند. بهترین سیاست هم حفظ استقلال در مقابل جناح ها و گروههای سیاسی در ایران است. من به عنوان يك خواننده این روزنامه در خارج از کشور بسیار خوشحال بودم که بالاخره ما ترکمن ها هم يك نشریه داریم و بیشتر خوشحالی من نیز بخاطر این بود که این نشریه فراجناحی بود. هم عکس خامنه ای را در صفحه اول چاپ میکرد و هم عکس خاتمی و در کنارش عکس مختمقلی و دیگر کلاسیک های ترکمن. خوشحالی من بیشتر از این بابت هم بود که ترکمن های ایران به نحوی با تاریخ گذشته خود آشنا می شدند و اندک اندک به کارهای فرهنگی می پرداختند. جمهوری اسلامی که اجازه نمی دهد ترکمن ها برای فرزندانشان اسامی ترکمنی انتخاب کنند و یا پوشیدن لباسهای ترکمنی را در ادارت و مدارس ممنوع کرده و با فعالیت فرهنگی ترکمن ها مخالفت می کند. چرا قربانی جناح ها شویم. حرف حساب من این

است که ما ترکمن ها چشم و گوش خود را باز کنیم و آگاهانه عمل کنیم و مثل گذشته آن اشتباهات را تکرار نکنیم.

یکی از خوانندگان صحرا از

آلمان

### نامه های رسیده

جمعی از دوستداران مردم

ترکمن از کانادا مقاله ای را به آدرس

ایل گون ارسال کرده اند که ما آن را در این شماره به چاپ رساندیم.

آقای صمدی مطالبتان را دریافت کردیم.

فرهنگ شاعران ترکمن با کتابنامه آن را می توانید به آدرس نشریه ارسال کنید.

### گروهها و انجمن ها

از گروههای سیاسی، انجمن های فرهنگی و ادبی که نشریات و اطلاعیه های خود را به آدرس ایل گون ارسال کردند و همچنین از تمامی دوستداران نشریه که تبرک و کتاب فرستادند متشکریم.

پست الکترونیکی این دوستان به آدرس

ما رسید:

- آبتین فروزنده

- آینه آ.

- "انجمن فرهنگی و اجتماعی آذربایجان

جنوبی" از شهر ساکرمات

- 18.08.1938 : Tähran bilen Bender Türkmen arasynda demirýol gatnawy başlandy.
- 19.08.1919 : Owganystan özbaşdaklygynyň dikeldilen günü.
- 19.08.1959 : Gürgrn radiosynyň Türkmen bölümi açyldy.
- 19.08.1991 : Şurewide döwlet agdarylşygy boldy.
- 22.08.1990 : Türkmenistan, özygtyýarly döwlet diýip yglan edildi.
- 31.08.1968 : Aşgabatda „Halk Magaryf“ jurnaly çykyp başlady.

01.September - 30.September

( 10.Şähriwer - 08. Mehr )

- 01.09. ... : Bütün dünýä parahatçylyk günü.
- 01.09.1914 : Birinji jahan uruşy başlandy.
- 01.09.1950 : Aşgabatda Türkmen Döwlet Uniwersitesi (M. Gorki ady bilen) açyldy.  
( Ol, häzir Magtymguly Uniwersitesi)
- 01.09.1988 : Türkmeniň belli şahyry Kerim Gurbannepesiň wepaty.( Onuň dünýä geleni: 18.10.1929).
- 12.09.1990 : Türkmen ýazyjysy Kylyç Kulyewyň wepaty. Onuň dünýä gelen ýyly. 1913. Ol, ikinji jahan uruşy wagtynda Orslaryň Gürgrn we Türkmenähradaky komissarydy.
- 12.09.1992 : Aşgabatda „Yaş Komunist“ gazeti, Watan adyny aldy.
- 29.09.1994 : Türkmeniň belli dilçisi Pygam Azymowyň wepaty. Onuň dünýä gelen günü: 01.01.1915

Ýazyp, taýýarlan: Dr. Mehmet Kiliç

## Şanly hem-de ýatdan çykmajak seneler

( 01. July - 31. July )

(10. Tir - 09. Mordad )

- 01.07.1928 : Aşgabatda „Türkmen medeniýeti“ atly cyýasy, jemgiyetçilik we edebi jurnal çykyp başlady.
- 01.07.1951 : Türkmenistan ylymlar akademiýasy açyldy.
- 07.07.1929 : Türkmen benderine „Bender şah“ diýip at berildi.
- 12.07.1932 : Türk Dil Kurumu guruldy.
- 14.07.1959 : Bagdad häkimiýetiniň Kerkük (Türkmen) gyrgynçylygy.
- 17.07.1919 : Aşgabat şäherine Poltorazk adynyň dakylan günü.
- 23.07.1974 : Meşhur türkmen ýazyjy we şahyry ussat Berdi Kerbabanyň wepaty.  
( Onuň dünýä gelen ýyly : 1894 )
- 27.07.1953 : Kore uruşy gutardy.
- 29.07.1920 : Aşgabatda „Türkmenistan“ gazeti çykyp başlady.

01. August - 31. August

( 10. Mordad - 09. Şähriwer )

- 01.08.1975 : Helsinkide, Awropanyň Parahatçylyk hem-de Hyzmatdaşlyk hakyndaky maslahatyň jemleýji aktyna gol çekildi.
- 06.08.1945 : Hiroşima şäheri, atom bombasy bilen bombalandy.
- 13.08.1961 : Berlin diwary (165 km) salnyp başlandy ( ol, 13.06.1989 ‘da ýykyldy).
- 14.08.1946 : Türkmen mugallymy Amanjan Abai Mämedryza şahyň polisi tarapyndan atylyp öldürildi.
- 14.08.1947 : Pakistan, garaşsyz döwlet boldy.
- 15.08.1947 : Hindistan garaşsyz döwlet boldy.



## Şahyr Nesimi....

Ölümi bilen baglanyşykly setirleriň çenden aşa köp bolmagy, onuň şygrylarynyň türkmen klassiki eserlere göni täsiriniň bolmagy, Halp şäherinde öldürilen we şäheriň Nesimi mazarçylygynda jaýlanan we Jahanşah Hakyky, Şah Ismail Hatai, baýramhan, Magtymguly, Şeydaýi, Zelili, Mollanepes, Misgingylyç ýaly ençeme türkmen şahyrlary Nesiminiň şygrylaryna nezire ýazyp, gazallaryna tahmys baglamaklary, türkmen edebiýatçylary tarapyndan häzir ady agzalmaýan Akmuhammed şahyryň hem tanymal klassigimiz Nurmuhammed Andalybyň oňa bagyşlap ençeme manzum hem mensur eserler döretmekleri, il içinde onuň bilen baglanyşykly köp rowatlaryň aýdylyp gelinmegi, şahyryň türki şygrylarynyň dili, olarda yörgünli ulanylan diňe türkmenlere mahsus bolan söz düzümleri, bularyň üstüne häzirki zaman türk edebiýatçylarynyň-da ençemesiniň pikirleri yetne bolup biler.

dowamy bær

## دوردی شاخیر:

او نامه دیر ایمه دیله ر دویدیلا

او نامه دیر قیاماتا قویدیلا

او کیم ایدی دابانیندان سویدیلا

شاخیر بولسانگ شوندان بیزه جبار بر

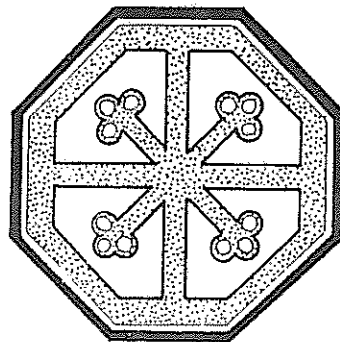
## ماختیم قولى :

اول دیدار دیر ایمه دیله ر دویدیلا

اول نماز دیر قیاماتا قویدیلا

نسیمی نی دابانیندان سویدیلا

بیزده ن سلام بولسین جوغاب شه یله دیر



## Şahyr Nesiminiň aýy ykbaly

Dr. Mehmet Kiliç

**Seýid Ymadeddin Nesimi**, gündogar halklarynyň, dünýä edebiyatynyň sürüsine goşan beýik şahyrlaryň biridir. Gadymy hem şahandaz Türkmen halky, dünýä edebiyatynyň sürüsine ençeme söz ussatlary goşdy. Şolaryň biri-de, özüniň üýtgeşik zehininiň, pähim-paýhasynyň gurbany bolan beýik akyldar şahyr Seýid Ymadeddin Nesimidir. Ol özüniň pajygaly tamamlanan gysga ömrüniň dowamynda dürli dillerde döreden ajaýyp eserleri bilen adynyň, Ýakyn hem Orta Gündogaryň özünden öňki Rudeki, Ferdowsi, Omar Haýýam, Enweri, Sagdi, Nizami, Emir Husrow Dehlewi ýaly tanymallaryň hataryna girmegini başarypdyr ( Prof. N.Gulla: Edebiyat-Sungat 1972. 16 January). Seýid Ymadeddin Nesimi, türk edebiyatynyň görnükli wekili. Ol, takminan 1369/70-nji ýyllarda Şamahyda ( käbir maglumatlara görä, Bagdadyň Nesim obasynda ) dogulýar we 1417-

nji ýylda derisi soýlup öldürilýär. Türki edebiyatynyň we halk döredijiliginiň taryhynda Nesimi mertligiň, gahrymançylygyň semboly hökmünde şöhrat gazanypdyr. Nesiminiň ölümi hakda tezkirelerde şeýle maglumat berilýär:

Halp şäherinde şahyryň şägirt -  
lerinden biri onuň

حق بين نظرى بايد تا روى مرا بيند  
چشى كه بود خودبين، كى روى خدا بيند

Meniň ýüzümi görmek üçin,  
hakykaty görýän bir göz gerek,  
Diňe özüni görýän (ulumsy)  
göz, hudaýyň ýüzüni nähili  
görsin, diýen setirleri bilen  
başlanýan gazalyny belent ses  
bilen okyýar. Muny eşidenler  
„bu gazal kimiňki“ diýip  
soraýarlar, ol ýigit „özümiňki“  
diýip jogap berýär. Şol wagtyň  
özünde häkim ol ýigidi asmaklygy  
buýurýar. Ýigit dar agajynyň  
aşagynda durka Nesimi baryp  
„gazal meniňki“ diýýär. Netijede  
ýigidi boşadyp Nesimini soýup  
öldürýärler. Nesimi türkmen  
klassiki edebiyatynda hem degişli  
orny eýeleýär:

Nesimini derisinden soýdylar  
Saman dykyp, derwezede  
goýdylar

(Gül Senuber / Şeýdaýy)

(Prof. N. Aşyrpur-Türkmen  
klassiki Edebiyatynyň Sözlügi  
A. 1988. s.270).

Nesimi hem edil, Ýunus Emre,  
Ahmed Burhaneddin Siwasly,  
Fuzuly, Baýramhan Garajaoglan  
dagy ýaly, türkmen halkynyň  
Orta Asyrdaky syýasy, harby,  
yktysady hem jemgiýetçilik  
durmuşyna görä, ata watanyň  
çäkleriniň daşynda, ilulusdan  
uzaklarda ýaşamaga mejbur  
bolan we gurbat illerde ýogalan  
shahyrdyr. Şeýlem-de bolsa ony,  
türkmen edebiyatynyň ady agzalan  
we agzalmadyk şahyrlary bilen  
bir hatarda ýatlamak gerek.  
Şeýle diýmekligimiziň diňe  
subyektiv däl eýsem obyektiv  
esaslary bar. Olar, şahyryň hut  
öz şygyrlarynyň içinde, milli  
degişlilikini kesgitlemekde  
degerli delil bolup biljek  
setirleriň duş gelmeşi, özi  
bilen döwürdeş hem soňraký  
ençeme gündogar şahyrlarydyr  
alymlarynyň bu meseläniň dogry  
çözgüdine göni hem gytaklaýyn  
goldaw berip biljek pikirleriniň  
bolmagy, türkmen klassiki  
shahyrlarynyň eserlerinde,  
onuň pajygaly

Watançylyk uruşy wagtynda :

- Gurbandurdy powesti,
- Aýlar poemasy,
- Doganlar dramasy,
- Komissar Geldiýew oçerki,

Uruşdan soňra :

- M. Ibrahymowyň „Ol gün geler“ romanyny,
- Musa Jeliliň goşgularyny,
- Omar Haýýamyň rubagylaryny türkmençä geçirýär hem-de
- Aýgytly Ädim trilogiýasyny ýazyp gutarýar we bu eser:

1948-nji ýylda SSSR-iň döwlet baýragyny alýar,

1942-50-59-62-65 we 74-nji ýyllarda TSSR ýazyjylar şurasynyň başlygy,

1951-nji ýylda „Aksoltan“ powesti SSSR-iň döwlet baýragyny alýar,

1957-nji ýylda „Nebitdag“ romanyny ýazýar,

1964-nji ýylda „Gaýgysyz Atabaý“ romanyny ýazýar,

1974-nji ýylda „Suw damjasy-altyn dānesi“ romanlary ýazýar. Bu soňky roman, Aýgytly Ädim romanynyň dowamydyr.

1943-nji ýylda TSSR-iň sungatda at gazanan işgäri,

1948-51-nji ýyllarda SSSR-iň döwlet baýragynyň iki gezek eýesi bolýar,

1951-nji ýylda TSSR, YA-nyň akademigi bolýar,

1967-nji ýylda Türkmenistan halk ýazyjysy,

1969-nji ýylda sosýalistik zāhmetiň gahrymany,

1970-nji ýylda TSSR-iň Magtymguly adyndaky döwlet baýragynyň eýesi.

RUHY ŞAT BOLSUN

*Dr.Mehmet Kiliç*

## Ölüminiň 25-nji ýylynda ussat Kerbabany ýatlap

### BERDI KERBABA (1894-1974)

15.03.1894-nji ýylda Tejen şäheriniň Gowkyzereň obasynda dünýä gelýär we 23.07.1974-nji ýylda Aşgabat şäherinde aradan çykyar.

Türkmen ýazyjysy, dramaturg we jemgiyetçilik işgäri, türkmen edebiýatynyň başyny başlanlaryň biri.

1923-nji ýylda ýazyjylyk işine başlaýar,

1924-27-nji ýyllarda „Türkmenistan“ gazetinde redaktor bolup işleýär,

1926-njy ýylda „Obada bolan waka“ atly hekaýany ýazýar,

1927-nji ýylda „Gyzlar“ poemasyňy ýazýar,

1927-nji ýylda Leningradyň Gündogary öwreniş institutynda okyýar,

1928-nji ýylda „Dakylmak“ poemasyňy ýazýar,

1928-nji ýylda „Tirýekkeş we Tebip“ poemasyňy döredýär,

1929-njy ýylda „Ýaz möwsümünde bir gözəl“ poemasyňy ýazýar,

1929-njy ýylda „Kepän dodak“ poemasyňy döredýär,

1929-njy ýylda „Amyderýa“ poemasyňy ýazýar,

1930-njy ýyllarda goşgy, hekaýa, powestleri:

- Kim yeňdi- Adat dälmi goşgulary

- Nepes - Gabanjaň ene hekaýalary

- Baýram, Batyr, Atasynyň ogly, Serhetde, Japbaklar, Mekirje serçejik, Jonnuk batyr atly çagalar üçin hekaýalar, Kim bilmeşek atly oglan edebiýaty.

1931-nji ýylda „Hakykat“ oçerk ýygındysy,

1931-nji ýyllarda:

M.Gorkiniň „Ene“ romanyny,

L. Tolstoýyň „Hajymyrat“ powestini,

M. Şolohowyň „Göterilen tarp“ romanyny,

Woýniçiň „Gögeýin“ eserini we

A. Haýdaryň hekaýalaryny türkmen diline terjime edýär.

1940-njy ýylda „Aýgytly Ädim“ romanynyň 1-nji kitaby çykyar.

naşyk gurallary görünmeýär. 1978-nji ýyldan bäri Iran türkmenleriniň tarapyndan käbir hereketler başlanyldy, kynansakda bu hereketler yz giderli bolup bilmedi. Iran türkmenleri döp-desur, dil we kulturlaryny bir derejede saklanlarynyň ähmiýetli bir sebäbi hem türkmenistan döwletiniň, Aşgabat radiosynyň täsiri netijesinde. Türkmen döwletiniň ady bolmagy we onuň baýdagynyň dik durmagy Iran türkmenleriniň durumyna arkadyr. Häzirki zamanda Iran türkmenleriniň käbir inteligentleriniň tarapyndan içerde we daşarda öz-özünü düşünmek hereketi şine urup başlapdyr. Meniň pikrim boýunça her bir halk şol sanda hem türkmen halkynyň geljegi jemgyýetiň bazisda demokratlaşmagyndadyr. Her bir halkyň umumy islegleriniň gapdalyn-

da dürli-dürli islegleri bar. Bu islegler diňe köp sanly guramalar we birleşikler, yaşaýyşyň hemme pudaklaryna özlerini bagyşlan toparlaryň tarapyndan ýañlandyrylyp biliner. Her kim meniň bilen bolmasa meniň tersimedir diýip düşünmek azat pikirli-ligi esasdan inkär etmekligidir. Diýmek dürli toparlaryň döräp, olar öz içine alýan toplamlaryň isleglerini ýañlandyrsalar, umum halk bähbidiniň aýnasy bolup bilerler. Köp toparlaryň döremegi ýada onuň döremeginiň ugrunda talaş etmeklik, başga bir dörän guramanyň ýa pikriň tersine däl-de, türkmen jemdyýetiniň ösüş prosesine gerek elementdir.

**Ýaz**

(1) G.F.Çirkin: Astera-bad we demirgazyk Ma-zandarana gezelenç reporty. 1916-njy ýylyň ýazynda.  
 (2) Şowgy. Abbas  
 Daşta Gorqan, Teheran 1314

**Türkiýede aladaly günler geçýär!**

Sişenbe, 17.08.99, daňdan sagat 3 töwereklerinde türkiýäniň demirgazyk-günbatar künjeklerinde 7,4 richter güýç bilen yer çäykandy.

Bu howply pajygada 10 müňlerçe ynsan ölüp, 10 müňlerçesi öýsiz galdylar.

Biz bu elhenç hadysada aradan gidenleriň galanlaryna dertdeşlik bildirip, gadyrdan okyjylarymyzdan agyr ýagdaýa düşen doganlarymyza ýardam etmek maksady bilen bolýan aladalara, öz goşantlaryny goşmaklaryny haýyş edýäris.

**II Gün redaksiýasy**

**Tapmaçalar: II Gün 10**

	1.	2.	3.	4.	5.	6.
1.	¥	A	Ñ	S	Y	@
2.	Ü	Ç	@	E	@	S
3.	Z	@	A	¥	N	A
4.	G	A	Ñ	R	A	K
5.	Ü	¥	@	E	M	@
6.	Ç	A	¥	K	A	W

## Gurama hakynda

Yaňy ýakynlykda Talal ibn abdel- aziz Arabystan döwletiniň geňeşçisi, „Spiegel“ jurnalynyň aşakdaky soragyna oýlanmaly jogap berýär.

Sorag: „ köp partiýa- çylyga ýol berilmegi we syýasy partiýalaryň oňi açylmagy, jemgyýetiň demokratlaşmagyna, umumy halkyň gündelik ýaşayyşda aktiv gatnaşmagyna sebäp bolmazmy?“ jogap:“ häzirem bolsa biziň jemgyýetimiz taýpa-tire gurluşynda. Ol heniz partiýalar üçin bişen derejä ýeten däldir.“

Esasan bir halkyň partiýasy bolmak onuň ösüş derejesini görkezýärmí? Bu guramanyň esas we prinsipalari nähili bolmaly? Meger diňe bir gurama umum halk bähbidini gorap, köpçiligiň isleglerini özüne siňdirip we özünden syzdyryp bilermi? Elbetde gura-

masy bolan halk, az- kemde belli bir derejede ösendigini, şol halkyň öz içinden umumy halk kynçylyklaryna çäre gözleýänleriň dörändigini görkezýär. Gurama klassik düşünje esasynda öz ähmiýetini elden berip, ýaşayyş problemlary çözmek ugrunda rolyny ýitirdi. Gurama klassik formasynda, ýagny birnäçe saýlanan inteligentler topary hökmünde, özüni öňde baryjy güýç saýyp, halkyň bar-ýok aladasyňy boýnuna alyp, oňa çäre gözläp, ýol görkeziji bolup orta çyksada, praktikda ornaşyp bimedi. Halk toparlarynyň bähbitleriniň goralmagy diňe bir gurama üsti bilen dälde, dürli toparlar, guramalar, yktysady, medeni, kultur we ýaşayyşyň dürli pudaklaryna degişli birlikler arkaly mümkin bolar.

\* \* \*

1920-nji ýyllarda Iran türkmenleriniň sany berilen çeşmelere görä iki yüz müňe golaý bolmaly. (1) Bu ýyllarda Iran türkmenleri esasan maldarçylyk, ekerançylyk, balykçylyk, el işi we alyp-satyjylyk işlerine maşgullanypdyrlar. (2)

Şol ýyllarda Iran hem bir yza galan ýurt bolany üçin onuň ilatynyň 80% sowatsyz bolup, özleri hem esasan ekerançylyga maşgul ekenler. Iran türkmenleri käbir gozga-laňlara gatnaşsalar, özbaşlaryna guramalary bolmandyr. Soňky on ýyllarda Iran türkmenleriniň sany iki milliona golaý hasablanýar we olaryň içinde orta we ýokar okuw jaýlaryna gidenleriň sany köpelişdir. Iran türkmenleriniň tarypyndan soňky iki on ýyllyga deňeç syýasy- yktysady, kultur we umum halk aňyny ösdüriş we umumy halk düşündiriş we aragat-

*Bu sanda:*

*Gurama hakynda*

*Ussat Kerbabany ýatlap*

*Şahyr Nesiminiň aýy ykbaly*

*Ýatdan çykmajak seneler*

*Türkiýede aladaly günler geçýär*



برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

<http://www.geocities.com/SoHo/Gallery/3677>

پست الکترونیکی:

E-Mail: [ilguen@geocities.com](mailto:ilguen@geocities.com)

شماره حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

- برای آبونه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .
- بهای اشتراک سالیانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .
- مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمایید .